

بسم الله الرحمن الرحيم

## بررسی تعامل علمی\_فرهنگی ایران و عراق

### با محوریت آشنایی با شخصیت و زندگی علمی طبری

محمدسعید نجاتی<sup>۱</sup>

چکیده:

محمد بن جریر طبری از عالمان بزرگ اسلام است که نقطه عطفی در تاریخ علمی چون فقه و تاریخ و تفسیر اسلامی است. او زاینده آمل ایران و پرورش یافته حوزه‌های علمیه ایران و عراق و در گذشته و مدفون در بغداد است. از این رو، وی یکی از نمونه‌های برتر همکاری و تعامل این دو کشور برادر و به هم پیوسته در عرصه علم و فرهنگ است. در این پژوهش پس از ارایه تحلیلی مختصر از اوضاع سیاسی\_اجتماعی عصر طبری، شامل دوران تاثیرگذار خلافت متوکل عباسی و شناخت نحله اهل حدیث، به عنوان فرقه‌ای که طبری را نیز باید از دانشمندان وابسته به آن و تحت تاثیر آن دانست، به سالشمار حیات طبری و ویژگی‌های علمی وی و اساتید و شاگردان و کتاب‌های معروف وی براساس منابع موجود پرداخته می‌شود.

کلمات کلیدی: محمد بن جریر طبری، دانشمندان بغداد، تاریخ طبری، تفسیر طبری، دانشمندان طبرستان

پیشینه:

درباره طبری با توجه به قدرت و شهرت او می‌توان مطالب بسیار جالبی را در منابعی چون تاریخ بغداد و معجم الادباء یاقوت به‌خصوص و منابع دیگر یافت. آثار باقیمانده از طبری نیز خود گواهی زنده و منبعی معتبر نسبت به ابعاد مختلف علمی وی است از جمله تاریخ و تفسیر و کتاب «الولایه». از تلاش‌های بسیار مهم در مورد وی، مقالاتی است که به مناسبت کنگره هزاره تولد طبری در مازندران، در مجموعه آثاری به نام «یادنامه طبری» منتشر شد که حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره ابعاد مختلف زندگی طبری است، پژوهشگران تاریخنگاری اسلامی نیز در کتاب‌های خود غالباً کتاب یا فصلی را به طبری اختصاص داده‌اند مانند، «اعلام مورخی العرب و الاسلام»، «ابوجعفر الطبری و کتابه تاریخ الامم و الملوک» از العاصی حسین، بخش اول پایان‌نامه «سیره نبوی در عصر مکی از نگاه طبری» (دفاع شده در ۱۳۸۹) نوشته مولف این مقاله، از دیگر این تلاش‌هاست. با این وجود فرصت

<sup>۱</sup> دانش آموخته سطح ۴ حوزه، دانشجوی دکتری تاریخ اسلام و عضو گروه تاریخ پژوهشکده حج و زیارت  
Nejati13@gmail.com

همایش بین‌المللی «میراث مشترک ایران و عراق» بهانه‌ای بود تا نتیجه و چکیده تلاش‌های مختلف قبلی به علاوه تلاش‌های جدید که با پژوهش بیشتری درباره طبری نیز همراه بود در این مقاله تقدیم شود.

## مقدمه

### شرایط سیاسی فرهنگی عصر طبری

طبری میان سال‌های ۲۲۴ تا ۳۱۰ هجری در این جهان زیست، بیشتر این سال‌ها در عصری است که پژوهشگران تاریخ، آن را عصر دوم عباسی نام نهاده اند، دورانی که روزگار اقتدار و استقلال خلفای عباسی به سر آمده بود، گویا خلافت بنی‌عباس از همان زمان که پذیرفت تا با نفوذ فرماندهان ترک، لباس خلافت را برتن جعفر متوکل نماید،<sup>۱</sup> در باطن ردای خلافت را بر تن همان فرماندهان پوشاند؛ چراکه از این پس قدرت خلفای مرکزی رو به زوال نهاد و در عوض، فرماندهان ترک که جایگزین عنصر دیوانسالار ایرانی دربار شده بودند، زمام قدرت دولت‌عباسی را به دست گرفتند و کار نادانی آنان در اداره امور زمینه را برای سربرآوردن حکومت‌های نیمه مستقلی مانند طاهریان و علویان و صفاریان و سامانیان و حمدانیان، در گوشه‌گوشه سرزمین اسلامی فراهم نمود و همه اینها میراثی از درگیری‌های خونین ملوک الطوائفی و هرج و مرج و ناامنی و گرانی و شورش و... و در نهایت رو به اضمحلال بردن دولت عباسی را به دنبال داشت،<sup>۲</sup> از شواهد این مدعا ناپایداری قدرت‌های فرماندهان و درباریان بود که به عزل و نصب‌های سریع خلفای عباسی هم کشیده شد تا بدانجا که می‌توان طبری را با یک عمر ۸۶ ساله، معاصر ۹ تن از خلفای عباسی دانست. مالک بن انس و محمد بن ادریس شافعی و احمد بن حنبل را با وجود اختلاف زمانشان از سران اصحاب حدیث می‌شناسند. آنان در شیوه و روش فقهی تنها بر ظواهر قرآن و حدیث تکیه می‌کردند و عقل را بطور مطلق انکار می‌کردند. اینان شیوه فقهی خویش را در عقاید نیز بکار می‌گرفتند و هرگونه بحث عقلی پیرامون احادیث اعتقادی را منکر بودند. به همین دلیل حتی نقش دفاع از عقاید دینی را نیز برای علم کلام نمی‌پذیرفتند.<sup>۳</sup>

این مکتب را باید گرایشی خردستیز معرفی کرد که بر پایه رکن‌های اصلی زیر استوار بود:

۱. ابن اثیر، الکامل، همان کتاب، ج ۷، ص ۳۴.

۲. طغوش محمد سهیل، حجت الله جودکی، دولت عباسیان، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، دوم، قم، ۱۳۸۰، ص ۴۰.

۳. احمد پاکنجی، مقاله اصحاب حدیث، دایره المعارف بزرگ اسلامی ج ۹.

اعتقادات آنان که پیشتر تأکید متوکل بر ارایه رسمی آن گزارش شد و در ادوار بعدی خلافت عباسی تأکید خلفای عباسی را نسبت به آن قابل مشاهده است، (مانند اعتقادنامه قادری در سال ۴۶۱ق) عبارت است از: جبرگرایی، قدیم بودن قرآن، رؤیت خداوند، تجسیم.<sup>۱</sup>

حنبلیان که دستداران اصلی احمد بن حنبل بودند، بیشترین جمعیت و مذهب اول را در آن زمان در بغداد تشکیل می دادند، اینان به عنوان نمایندگان اصلی مکتب اهل حدیث و دارای مذهبی که با تأکید بر حفظ ظواهر اسلامی و اعتقاداتی از ظاهر روایت ها و آیه های قرآن کریم برداشت می کرد، هیچ مخالفی را نسبت به این برداشت و اجتهاد خود بر نمی تابید و آنها را به جهمی گری و کفر و زندقه متهم می کرد. حمایت خلفای عباسی و گرایش شخصیت های سیاسی به این جریان بر قدرت آنان افزوده بود. منازعات حنبلیان تنها با شیعیان نبود بلکه آنان با معتزلیان، اشاعره و صوفیان سنی مسلکی که روش آنان را در فهم دین نمی پسندیدند نیز درگیری های متعددی داشتند<sup>۲</sup>، به عنوان نمونه در سال ۳۱۷ق وقتی گروهی از اهل سنت برداشت آنها را درباره تفسیر آیه کریمه «عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا»<sup>۳</sup> که مستلزم تجسم و تشبیه بود نپذیرفتند حنبلیان به آنها حمله ور شدند و کشتار شدیدی به راه افتاد.<sup>۴</sup> در ادامه مقاله برخورد این گروه با طبری در آخرین سال های زندگی وی بازخوانی خواهد شد.

## حیات طبری

زندگی در طبرستان ۳۲۵ تا ۲۳۷ ق. طبری تا ۲۳۷ق در شهر آمل، مرکز طبرستان، آغازین سال های زندگی را گذراند، در حالیکه در هفت سالگی حافظ قرآن کریم بود و در هشت سالگی بر مردم در نماز جماعت (احتمالا در نماز تراویح که اهل سنت آن را در ماه رمضان می خوانند و امامان جماعت در آن اغلب حافظ قرآن هستند) امامت نمود و در نه سالگی در مجالس املاء حدیث شرکت کرد.<sup>۵</sup>

۱. ابن جوزی همان کتاب، ج ۱۶، ص ۱۰۵

۲. رضا برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، مؤسسه فرهنگی طه، قم، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱

۳. کریمی قهی، منصوره منازعات مذهبی در بغداد، ۶۵۶ - ۲۳۲)، از ۹۵ تا ۱۴۲ تاریخ اسلام بهار ۱۳۸۴ - شماره ۲۱

۴. سوره اسراء، ج ۱۷، آیه ۷۹

۵. ابن اثیر الکامل، ج ۸، ص ۲۱۳. ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۱۶۲

۶. خطیب بغدادی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ه ق ج ۲، ص ۲۵۶ و حموی یاقوت، یاقوت، معجم الأدباء، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۴۱۴ ه ق. یاقوت همان کتاب، ج ۶، ص ۲۴۴۶ خیر الدین الزرکلی، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم، للملایین، ط الثامنة، ۱۹۸۹، ج ۶، ص ۱۱۱

طبرستان نام حاشیه جنوبی دریای خزر در شمال ایران است با جنگل‌ها و مراتع سرسبز و انبوه و آب و هوای معتدل و زمین حاصلخیز. منابع جغرافیایی و تاریخی از قدیم از سرسبزی و آبادانی این سامان و فراوانی محصولات کشاورزی در آن سخن گفته‌اند. مرکز این ناحیه که کشاورزی پربرکت آن به تجارت و بازرگانی این سامان نیز رونق داده بود، شهر آمل زادگاه طبری است. مردمان این ناحیه از دیرباز به سختکوشی و قدرت‌بدنی زیاد و سرسختی در مقابل سلطه جویان و بیگانگان شهره بوده‌اند<sup>۱</sup>. آنچنان که حتی نفوذ اسلام در این ناحیه نسبت به سایر مناطق ایران دیرنگام و به سال ۱۴۴ ق، در عصر عباسی، بوده است.<sup>۲</sup>

این ناحیه در عصر طبری دستخوش انقلاب‌های سیاسی و مذهبی بود، چندانکه در مدت زندگانی ۸۵ ساله‌ی طبری، حکومت آن میان خاندان‌های متعددی از جمله آل قارن، طاهریان، علویان، صفاریان، سامانیان دست به دست گشت.<sup>۳</sup>

در سال‌های آغازین زندگی طبری، این ناحیه در سال ۲۲۴ ق به دست مازیار قارنی افتاد و در این سال او حصار آمل را به آتش کشید، پس از چند ماه از تسلط مازیار، طاهریان بر طبرستان مسلط شدند و تا سال ۲۵۰ هجری طاهریان سنی‌مذهب حکومت طبرستان را به عهده داشتند. احتمال می‌رود که همین حادثه، همان نشانی باشد که برای سال تولد طبری قرار داده بودند و بعدها در تاریخ دقیق آن دچار تردید شده‌اند چنانکه خود طبری ثبت وقایع با حوادث مهم را عامل تردید در تاریخ تولد خود دانسته.<sup>۴</sup>

در سال ۲۵۰ ق با روی آوردن مردم آمل به حسن بن زید علوی، داعی کبیر؛ حکومت شیعه و زیدی‌مذهب علویان طبرستان پایه‌ریزی شد که در برخی موارد سختگیری‌های مذهبی را نیز اعمال می‌کرد و سیر تغییر مذهبی در طبرستان را سرعت بخشید، حکومت علویان علیرغم چالش‌های فراوی خود توانست تا سال ۳۱۶ ق به حیات خود در طبرستان ادامه دهد.<sup>۵</sup> از گزارش مربوط به سفر طبری به وطن خود در سال ۲۹۰ ق. می‌توان دریافت که در این زمان هم تشیع بر طبرستان آنچنان حاکم بود که طبری خود را ناگزیر دید برای مقابله با آن به ذکر فضایل خلفای اهل تسنن بپردازد، امری که با دخالت حکومت محلی وقت چندان دوام نیافت و طبری را به بغداد گریزاند.

۱. محمد حسن خان اعتماد السلطنه، به تصحیح میرزا مهر آبادی، التذوین فی احوال جبال سرین، دنیای کتاب، ۱۳۷۳، تهران، ص ۴۲

۲. اعتماد السلطنه، همان، ص ۱۱۳ و بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار، به تصحیح عباس اقبال، تاریخ طبرستان، کتابخانه خاور، ۱۳۲۰، تهران، ص ۱۷۸

۳. ابن اسفندیار، همان، ۲۸۴ و علی بابا عسکری، آمل، دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۲۰۱

۴. یاقوت حموی، معجم الأدباء، پیشین، ج ۶، ص ۲۴۴۵

۵. حسین حسینیان مقدم، و دیگران زیر نظر دکتر احمد رضا خضری، تاریخ تشیع ۲ دولتها خاندانها و آثار علمی و فرهنگی شیعه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵، قم، ص ۱۶

## مسافرت ری ۲۳۷-۲۴۰ ق

طبری تقریباً از سال ۲۳۷ تا حدود ۲۴۰ ق. را در ری و روستاهای اطراف آن، به فراگرفتن حدیث‌های تاریخی و فقهی پرداخت. او در این سال‌ها کتاب «المبتداء والمغازی» ابن اسحاق را نزد احمد بن حماد دولابی فراگرفت. با پشتکاری ستودنی از چهره حدیثی معروف ری، محمد بن حمید بن حیان، یکصد هزار حدیث یادداشت کرد. محمد بن حمید از اساتید چهره‌های برجسته‌ای چون احمد بن حنبل ترمذی، ابن ماجه و البغوی بود. علیرغم مقام شامخی که در علم حدیث داشت، برخی از امامان جرح و تعدیل او را به جعل حدیث متهم کرده‌اند. نسائی، صاحب سنن و بخاری صاحب صحیح، او را معتبر نمی‌دانند و او را از جاعلان بزرگ حدیث و دروغ پردازان می‌دانند.<sup>۱</sup> اما طبری در تفسیر خود بیش از ۲۶۰۰ روایت و در کتاب تاریخش بیش از ۷۰۰ گزارش را از او نقل کرده است و این خود می‌تواند نقطه ضعفی برای روایات طبری باشد.

ری شهری کهن و باستانی با قدمت چندهزارساله بود، چنانکه مقدسی آن را از بزرگترین شهرهای منطقه جبال کرده است و خراج آن را رقمی معادل خراج اصفهان و دماوند و ده برابر خراج شهرهایی چون قزوین و ابهر و زنجان گزارش کرده است.<sup>۲</sup> وجود قریب به دوازده فرقه عقیدتی و مذهبی که در مسائل عقلی و اعتقادی رقیب هم بودند، نشان از فعالیت حوزه‌های علمی مذاهب مختلف در آن است. ولی از قرن سوم به بعد این اختلاف فرقه‌ای به نزاع و درگیری تبدیل شد و در نتیجه این شهر بزرگ، براساس گزارش یاقوت به دهی کوچک تبدیل شد.<sup>۳</sup>

## سفر به بغداد، بصره، واسط، کوفه ۲۴۱-۲۵۱ ق

محمد بن جریر برای استفاده از احمد بن حنبل از ری به بغداد مسافرت کرد اما احمد اندکی قبل از رسیدن او به بغداد، از دنیا رفته بود و دو سالی بود که حدیث‌گویی را ترک کرده بود.

طبری یکی دو سال در بغداد ساکن شد و فقه شافعی را از مشایخ آن سامان فراگرفت. از جمله این اساتید الحسن بن محمد بن الصباح الزعفرانی و ابو سعید اصطخری بودند. زعفرانی از شاگردان به نام امام شافعی و محدثانی چون سفیان بن عیینه<sup>۱</sup> بود و

۱. أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد ابن الجوزی، م ۵۹۷، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۲، ۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۱۵ و محمد بن عمرو بن موسی بن حماد العقیلی المکی، أبو جعفر، الضعفاء الکبیر، دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، بیروت ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۴۲۷ و ذہبی، تاریخ الاسلام، پیشین، ج ۱۸، ص ۴۲۶ و، ج ۲، ص ۲۵۶

۲. مقدسی، أبو عبد الله محمد بن أحمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، مکتبه مدبولی، القاهرة، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق، ص، ۴۰۰

۳. یاقوت، حموی معجم البلدان، دار صادر، بیروت، دوم، ۱۹۹۵، ج ۳، ص، ۱۱۷

اصطخری از فقهای بزرگ شافعی و رئیس حسبه بغداد و شخصیتی عابد و زاهد<sup>۱</sup>، بودند. در این زمان طبری مذهب شافعی را برای خود در فقه برگزید.

در این دوره است که طبری به خاطر نرسیدن کمک هزینه‌ای که پدرش برایش می‌فرستاد دچار تنگدستی‌ای شد که مجبورش کرد، لباس قیمتی خود را بفروشد و به پیشنهاد دوستان، مدتی را در کنار شرکت در محضر اساتید، به تعلیم فرزندان وزیر متوکل گذراند و جز از دسترنجش که دوازده دینار در ماه می‌شد، از گرفتن هدیه‌ها و عطایای خاندان وزیر سرباز زند.<sup>۲</sup>

بغداد در آن روزگار یکی از مهمترین پایگاه‌ها برای تلاقی فرهنگ‌های بومی مناطق مختلف جهان اسلام و مرکزی برای رشد و توسعه دانش‌های اسلامی مختلف از جمله فقه و حدیث و کلام بود.

در حدیث، عالمان بغدادی یا مهاجران به بغداد، نقش مهمی را در جریان مسندنویسی ایفا کردند که حاصل آن تدوین مسانیدی از ابوخیثمه زهیر بن حرب، علی بن مدینی و ابوبکر ابن ابی‌شیبه احمد بن رفیع و احمد بن حنبل است.

این جنبش با جوامع‌نگاری که مجموعه‌های موضوعی حدیث بود، ادامه یافت، در میان این مجموعه‌ها، «تهذیب‌الآثار» طبری نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. سده سوم در بغداد شاهد رقابت‌های شدیدی در محافل فقهی نیز بود و این رقابت‌ها تنوع مذهبی بسیاری را به دنبال داشت. در کنار مذاهب قدیمی‌تری مانند مذهب مالک و ابوحنیفه و شافعی، مذاهب دیگری نیز پا به عرصه نهاد که برخی مانند مذهب حنبلی، بسیار ماندگار شدند و برخی مانند مذهب‌های ابو‌ثور، مذهب قاسم بن سلام و مذهب طبری نتوانستند چندان دوام بیاورند. محمد بن جریر طبری در این عرصه نیز با ابداع مذهب فقهی خاص خود به ایفای نقش پرداخت. بغداد در کلام نیز از تنوع شدیدی برخوردار بود، هر چند معتزلیان در زمان مامون و معتصم به اوج رسیدند اما پس از روی کار آمدن متوکل، قدرت روزافزون حنبلیان که هر گفتگوی کلامی را خطا می‌پندارند، شرایط را برای رشد جریان نقل‌گرا در بغداد نامساعد کرد. به ویژه که جریان اهل حدیث علاوه بر پشتیبانی حکومت از حمایت عامه مردم نیز برخوردار بود.<sup>۴</sup>

---

۱. أبو سعید عبد الکریم بن محمد بن من، صور التمیمی السمعانی ج، ۵۶۲، تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، الأنساب، حیدر آباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶۲ و ج ۶، ص ۲۹۹ و شمس الدین ذهبی، تاریخ الاسلام، همان کتاب، ج ۱۹، ص ۱۱ کوج ۷، ص ۴۱۹.

۲. وفیات الأعیان، ج ۲، ص ۷۴، ابن کثیر همان کتاب، ج ۱۱، ص ۱۹۳.

۳. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، به کوشش شعيب الارنؤوط، چاپ اول، بیروت، الرسالة، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۲۷۱.

۴. احمد پاکتچی، علوم و معارف دینی در بغداد، مدخل بغداد، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲.

تلاش اهل حدیث برای خطادانستن آراء کلامی مختلف را در آثاری که به نام‌هایی مانند «السنه» یا «الرد علی الجهمیه والمعتزله» به خوبی، هویدا است.

تعصب شدید و ناشکیبایی حنبلیان در تحمل قول مخالف، تاریخ بغداد را از خون‌هایی رنگین ساخته که نتیجه درگیری‌های مذهبی میان این فرقه و شیعیان یا معتزلیان یا اشعریان برپا شد.<sup>۱</sup>

احتمالاً طبری پیش از سال ۲۴۲ق بغداد را به مقصد بصره ترک کرد تا از میراث حدیثی محدثان بزرگ بصره استفاده کند، برخی از اساتیدی او که در سفر بصره از آنها بهره برد و در منابع از آنان یاد شده<sup>۲</sup>:

۱. محمد بن موسی الحرشی که از او در تاریخ و تفسیر احادیث بسیار اندکی به یادگار دارد.

۲. عماد بن موسی القزاز در تاریخ<sup>۳</sup>

۳. محمد بن عبدالاعلی صنعانی (متوفی ۲۴۵) از محدثان بزرگ و مورد اعتماد رجالیان عامه که طبری در تفسیر خود

بیش از ۵۰۰ حدیث از او روایت کرده است و در بصره وفات کرد<sup>۴</sup>

۴. بشر بن معاذ عقدی (متوفی ۲۴۵) از محدثان بزرگ و مورد اعتماد اهل سنت در بصره<sup>۵</sup> که طبری بیش از ۵۰۰ روایت

از او در تفسیرش نقل کرده و در تاریخ به بیش از بیست گزارش او استناد کرده است، بشر یکی از طرق مهم طبری

به روایات تفسیری قتاده است.

۵. ابی الاشعث احمد بن المقدم (متوفی ۲۵۳)، محدثی مورد تأیید رجالیان که روایات اندکی از او را طبری در تاریخ و

تفسیر خود نقل کرد و در بغداد از دنیا رفت.<sup>۶</sup>

۶. محمد بن بشار البندار که استاد و شیخ مؤلفان صحاح سته است و طبری از او بیش از ۴۰۰ روایت تفسیری و حدود

ده روایت در تاریخ خود نقل کرده و جز یحیی بن معین رجالیان دیگر اهل سنت او را مورد اعتماد دانسته‌اند.<sup>۷</sup>

---

۱. مریم کریمی قهی، منازعات مذهبی در بغداد، همان

۲. خطیب بغدادی، ج ۲، ص ۱۶۱ یا قوت حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۴۶

۳. مجله البیان، محمد محمد توفیق، أعلام الإسلام ابن جریر الطبری إمام المفسرین، ۲۷، ۲۴

۴. المزی جمال الدین ابی الحجاج یوسف، تهذیب الکمال، سایت اینترنتی یعسوب، ۲۵، ۵۸۳

۵. صفدی، الوافی بالوفیات، سایت اینترنتی الوراق ۳/۳۸۰ (ابن حبان بسنی، تحقیق، السید شرف الدین أحمد، الثقات، دار الفکر، ۱۳۹۵ - ۱۹۷۵، بی جا، ۸/ ۱۴۴)

۶. همان کتاب، ج ۵، ص ۳۷۴

۷. تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۰۲ و ذهبی، سیر اعلام النبلاء ج ۱۲، ص ۱۴۹

۷. محمد بن مثنی از محدثان بزرگ و ائمه حدیث که مورد اعتماد رجالیان بوده<sup>۱</sup> و شیخ بسیاری از بزرگان حدیث است و طبری در تفسیر خود به بیش از ۹۰۰ حدیث او استناد کرده است و در تاریخ حدود هشتاد روایت از او نقل کرده است.

۸. محمد بن عبدالملک بن ابی شوارب از دانشمندان اهل حدیث معتبر و مورد توجه متوکل عباسی که به دستور متوکل در سال ۲۳۴ ق. به همراه عده ای دیگر از محدثان و فقیان به سامرا فرستاده شد تا دیدگاه‌های کلامی اهل حدیث مانند رؤیت خداوند در قیامت و رد معتزله و جهمیان را گسترش دهد و پاداش ویژه ای برای آنان در نظر گرفت. از آنجا که ابن ابی شوارب متوکل را احیاگر سنت در عصر خود می‌دانست، بارها از ارادت و دعاگویی خود برای متوکل سخن گفته بود و از این افسوس می‌خورد که چرا از او اجازه گرفته تا به بصره بازگردد و بیشتر در کنار او به تبلیغ مراسم نیرداخت<sup>۲</sup> او در سال ۲۴۴ ق در بصره از دنیا رفت<sup>۳</sup> و طبری در این سال‌های آخر عمر در بصره از او بهره‌برده که یادگارش بیش از ۴۰ روایت در کتاب تفسیر است.

طبری پس از بصره به واسط، شهری میان کوفه و بصره، رفت و پس از استفاده از مشایخ آن سرزمین به کوفه مهاجرت کرد که (با توجه به تاریخ وفات برخی از اساتید طبری) این مسافرت باید پیش از ۲۴۳ ق باشد. او در کوفه از مشایخ برجسته آن سامان بهره برد از جمله ابن اساتید:

۱. محمد بن العلاء بن الکریب الهمدانی (۱۶۱ - ۲۴۸ ق) از چهره‌های برجسته حدیث کوفه و عراق گه از او بیش

سیصد هزار حدیث در کوفه نقل شده است<sup>۵</sup>. او به خاطر عمر طولانی خود از سه طبقه روایت اخذ کرده است. نقل

حدیث از او برای طبری امتیاز علو سند حدیث و کم شدن واسطه‌ها را تا منبع اصلی آن به ارمغان می‌آورد.

علیرغم اینکه ابوکریب قائل به خلق قرآن بود ولی احمد از بزرگداشت و تکریم او کوتاهی نمی‌کرد و دلیل آن را زهد و دنیاگریزی ابوکریب می‌دانست.<sup>۶</sup>

۱. ذهی همان، ۱۲، ۱۲۵

۲. همان، ج ۳، ص ۱۴۷، ابن جوزی، همان، ج ۱، ص ۲۰۷

۳. سمعانی همان، ج ۸، ص ۱۶۵ ذهی، تاریخ الاسلام، همان کتاب، ج ۱۸، ص ۴۵۰

۴. ابن حبان، همان ج ۹، ص ۱۰۵

۵. مزی همان، ج ۲۶، ص ۲۴۷

۶. أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار الفکر - بیروت، ۱۴۰۴، ۱۹۸۴، ج ۹، ص ۳۴۲



طبری بیش از یکصد هزار روایت از او فراگرفت که نشان دهنده جایگاهی است که طبری نزد او علیرغم تند خوئی‌اش یافته بود. ابوکریب با امتحانی که از طبری در حفظ حدیث به عمل آورد به استعداد و لیاقت‌های او پی‌برد.<sup>۱</sup> طبری از او بیش از ۱۴۰۰ روایت در تفسیر و بیش از یکصد روایت در تاریخ خود نقل کرده است.

۲. هناد بن سری (۱۵۰-۲۴۳ ق) که به زهد و عبادات فروانش شهره ولی نسبت به شیعیان سختگیر بود<sup>۲</sup> بسیاری از مشایخ اهل سنت از او حدیث نقل<sup>۳</sup> و او را توثیق کرده‌اند<sup>۴</sup> و طبری نیز بیش از هفتاد روایت در تفسیر و نه روایت در تاریخ خود از او نقل کرده است.

۳. اسماعیل بن موسی الفزاری از محدثان مورد اعتماد اهل سنت که در عین حال او را به غلو و افراط در تشیع متهم می‌کردند و برخی از شرکت در مجلس درسش منع می‌کردند. اسماعیل در سال ۲۴۸ ق در کوفه از دنیا رفت<sup>۵</sup> طبری از او حدود ۲۰ روایت در تفسیر و دو روایت در تاریخ خود نقل کرده است.

با توجه به زمان رسیدن طبری به عراق در ۲۴۱ ق و تاریخ وفات اساتیدش احتمال قوی طبری تا ۲۴۸ ق در کوفه ماند و پس از آن دوباره به بغداد بازگشت تا به دانش‌های فقه و قرائت و تنظیم احادیثی که فراگرفته بود، بیشتر بپردازد. اقامت او در بغداد نباید بیش از دو تاسه سال به طول انجامیده باشد. از دیگر اساتیدی که طبری در این سال‌ها در بغداد درک کرده، باید از:

عمرو بن علی الفلاس متوفای ۲۴۹ ق. اسحاق بن ابراهیم ابو اسرائیل مروزی، از چهره‌های مطرح حدیث و مورد احترام متوکل و متوفای ۲۴۵ ق. ولید بن شجاع متوفای ۲۴۳ ق. یعقوب بن ابراهیم دورقی متوفای ۲۵۲ ق. زبیر بن بکار متوفای ۲۵۶ ق. الحسن بن قزعه نام‌برد، که با توجه به سال وفاتشان احتمال می‌رود، در همین دوران در بغداد از آنان بهره برده باشد. البته جز یعقوب بن ابراهیم که طبری بیش پانصد روایت و عمرو بن علی که بیش از صد روایت در تفسیر از آنها نقل کرده، روایات افراد دیگر این جمع در موارد انگشت‌شماری در اسناد تاریخ و تفسیر طبری یافت می‌شوند.

۱. یاقوت حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۴۸.

۲. ذهبی، تاریخ اسلام، ۱۸، ۱۷۹.

۳. مجله البحوث الإسلامية، ۸۰، ۲۷۸۰.

۴. سیوطی، طبقات الحفاظ، بی‌جا، بی‌تا، سایت اینترنتی الوراق، ۱، ۴۲.

۵. ابن العماد شهاب الدین ابو الفلاح عبد الحی بن احمد العکری الحنبلی الدمشقی، تحقیق الأرتاؤوط، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر،

۱۴۰۶، ج ۳، ص ۲۰۶ ذهبی همان، ج ۱۸، ۱۷۹.

۶. یاقوت، معجم الادباء، ۲۴۴۸، ۶.

## سفر به فلسطین و لبنان و اردن و حمص ۲۵۱-۲۶۴

در حدود سال ۲۵۱ هجری که بغداد روزگاری پر آشوب را به خاطر درگیر شدن خلیفه عباسی، المستعین و ترکان می‌گذراند طبری سفر خود را به منطقه شام و بیروت و فلسطین و اردن و حمص<sup>۲</sup> و دیگر مناطق مرزی سرزمین اسلامی با روم آغاز کرد و زمانی به کشور مصر وارد شد که در آن احمد بن طولون حکومت می‌کرد، گویا همراهی طبری با چهره‌های محدثی چون محمد بن اسحاق بن خزیمه و محمد بن هارون رویانی و محمد نصر مروزی در این سفر بوده که توشه آنها تمام می‌شود و آنان در اوج درماندگی و استیصال، با کمک غیرمنتظره حاکم مصر از این ورطه خلاص می‌شوند.<sup>۳</sup> سفر طبری به این ناحیه تا پس از سال ۲۵۶ ق به طول انجامید. او در این سفر به عنوان یک عالم شافعی مورد احترام و تقدیر ربیع بن سلیمان، شاگرد برگزیده امام شافعی قرار گرفت که او را در مسکنی مستقل پذیرایی کرد، از دیگر ویژگی‌های این سفر، مباحثه‌های علمی و امتحان و مناظره‌هایی است که طبری با دانشمندان آن دیار در رشته‌های مختلف علوم انسانی انجام داد. عروضی شدن یکشنبه طبری نتیجه این دادوستد است که در شاخص‌های علمی طبری به آن اشاره خواهد شد.<sup>۴</sup>

یونس بن عبدالاعلی فقیه شافعی و محدث بزرگ مورد اعتماد اهل سنت (متوفی ۲۶۴ق) از دیگر اساتید تأثیرگذار بر طبری است که در مصر با او ملاقات داشت. او از یونس بیش از دو هزار روایت تفسیری و بیش از چهل روایت تاریخی نقل کرده است.

از دیگر دستاوردهای این سفر، فراگرفتن قرائت از العباس بن الولید در بیروت است.<sup>۵</sup>

## نگارش تفسیر در بغداد و بازدید از وطن ۲۶۴-۲۷۰

طبری پس از بهره‌گیری از دانشمندان مصر و شامات به آمل بازگشت و پس از توقف کوتاهی دوباره راهی بغداد گردید. گزارش‌های چندانی از جزئیات این سفر نقل نشده و تنها نکته قابل ذکر در منابع این است که او در طول این سفر نیز از دانش‌پژوهی دست

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ، ج ۹، ص ۲۹۰ و ابن کثیر همان، ج ۱۱، ص ۷.

۲. یاقوت، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۰۳ و بغدادی، صفی الدین عبد المؤمن بن عبد الحق، مراد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳.

۳. همان کتاب، ج ۲، ص ۱۶۳.

۴. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۵۰.

۵. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۲۷۰/۱۴.

کشید و هر جا که دانشمندی می‌یافت و فضا را مهیا می‌دید، به کسب دانش و تجربه می‌پرداخت. از جمله این تجربه‌ها خاطراتی است که او در شهر دینور از مباحثه با عالمان آن سامان داشت.<sup>۱</sup>

پس از بازگشت از این سفر که چندسالی پیش از ۲۷۰ ق باید باشد، طبری به عنوان یک چهره علمی و مورد توجه وارد بغداد شد. از این برهه است که طبری وارد مرحله دوم زندگی می‌شود و در میان دانشمندان بغداد مشهور و مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرد. با توجه به گزارش ابوبکر بن کامل، چهل سالی که طبری در آنها پیوسته به نگارش کتاب مشغول بوده در همین سال‌ها باید باشد. شروع املاء کتاب تفسیر در این سال‌هاست.

ضمناً باید دانست که طبری پیرویش از مذهب شافعی و فتوادادن بر طبق آن را در شهر بغداد، به مدت ده سال دانسته، باید این سال‌ها را سال‌های پایان شافعی‌گری و تأسیس مذهب ویژه طبری در فقه به نام جریریه دانست.<sup>۲</sup>

شهرت طبری در بغداد حسادت و رقابت همتایان او گروهی از سران حنبلی را برانگیخت تا با توطئه‌ای حساب‌شده طبری را با همه قدرت علمی تا آخر عمر به انزوا بکشانند. ماجرا از این قرار بود که طبری با شهرتی که داشت کتابی مهم درباره اختلاف نظر فقیهان سرزمین‌های مختلف اسلامی درباره مسائل فقهی نگاشته بود اما در میان این فقیهان از احمد بن حنبل، پیشوای مورد احترام حنبلیان، که آنچنان شیفته او بودند که او را تا عرش خداوند و به پندارشان در کنار رسول خدا جای می‌دادند<sup>۳</sup>، یاد نکرده بود جمعی از سران حنبلیان بغداد، که با دربار عباسی نیز مرتبط بودند، به سراغ طبری که ظاهراً پس از نماز جمعه در مسجد جامع مورد توجه قرار بود رفتند و نظر او را درباره اعتبار نظر احمد بن حنبل در مسائل فقه و نیز درباره حدیث پراختلاف استواء-حدیثی که براساس آن اهل حدیث معتقدند، خداوند بر روی کرسی می‌نشیند و درکنار خود پیامبرش را در روز قیامت می‌نشانند<sup>۴</sup>- جویا شدند.

در جواب این عده طبری که گویا قدرت حنبلیان و طرفداران احمد را دست‌کم گرفته جوایی نسنجیده می‌دهد که «احمد نظر فقهی ندارد و اختلاف نظر احمد مورد توجه فقیهان نیست، حدیث استواء هم ناممکن و محال است و این شعر خواند: «سبحان من لیس له انیس و لا له فی عرشه جلیس»<sup>۵</sup> (پاک و منزّه است خداوندی که همدم و انیسی ندارد و همنشینش درکنار او بر عرش وجود ندارد) این

۱. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۵۰

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۵۲، ص ۲۰۰

۳. ابن مطلب تقریباً ترجمه شعری است، که حنبلیان به قهر بر سردر منزل طبری نگاشتنند، یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۵۱

۴. اشعری، ابو الحسن، مقالات الاسلامیین، سایت اینترنتی الوراق، بی جا بی تا، ج ۱، ص ۵۳ و الخمیس محمد بن عبد الرحمن، اعتقاد أهل السنة شرح أصحاب الحدیث، موقعه الإسلام، بی تا بی جا، ۱، ۲۲، سیوطی أبو الفضل جلال الدین عبد الرحمن أبی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق، ۶، ۳۱۰

۵. یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۵۰ و ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، دار ال، صادر، بیروت، ۱۳۸۵، ۳، ۴۰۸

جواب، واکنش شدید دوستداران احمد را در همان مجلس که ظاهراً جمعیت زیادی هم بودند، به دنبال داشت زیرا در همان مجلس همه دوات‌هایشان را به سمت طبری پرتاب کردند، بطوری که طبری ناگزیر به فرار به سوی خانه‌اش شد، جمعیت خشمگین او را تعقیب و خانه‌اش را محاصره و سنگباران کرد و تنها با کمک رئیس پلیس بغداد و هزاران نفر از نیروهای او بود که محاصره خانه طبری با انتقال توده سنگی که از سنگباران حنابله برجا مانده در شبانگاه آن روز به پایان رسید. پس از آن طبری در صدد دلجویی از حنبلیان برآمد و با نگارش کتاب اعتقاداتش به نام «صریح السنه» خود را تابع نظرات احمد دانست و کتاب «اختلاف الفقها» را پنهان کرد<sup>۱</sup>

اما این تلاش بی‌ثمر بود و ماجرا به همین‌جا ختم‌نگشت و پس از آن با وجود شهرت و مقام علمی طبری، حنبلیان متعصب بغداد اجازه برپایی مجلس درس عمومی (که در آن زمان با جمعیت‌های چند ده هزار نفری تشکیل می‌شد<sup>۲</sup>) به طبری ندادند.<sup>۳</sup>

### آخرین سفر طبری به آمل و نگارش تاریخ ۲۹۰-۳۰۰ ق

آخرین مسافرت طبری به آمل، در این سال گزارش شده، نکته قابل توجه در این مسافرت مواجه شدن طبری با موج تغییر مذهب در آمل و طبرستان است که در این سال‌ها با تلاش حکومت علویان طبرستان رشد چشمگیری داشت تا بدانجا که طبری را مجبور می‌نماید، برای مقابله با تشیع به اقدامی دست بزند که تشکیل مجلس املاء حدیث با موضوع فضایل شیخین بود، اما حکومت علوی آمل این مسأله را برتافت و طبری را تحت تعقیب قرار داد و او به کمک پیرمردی که سلامت خود را فدای رها شدن طبری کرد، از معرکه گریخت.<sup>۴</sup> در این سال‌ها نگارش کتاب مشهور تاریخ طبری شروع شد.<sup>۵</sup>

### دهه پایانی زندگانی طبری ۳۰۰-۳۱۰ ق

طبری در سال ۳۰۰ نگارش کتاب «ذیل‌المذیل» را که مربوط به زندگینامه صحابه پیامبر (ص) و تابعین و مشایخ او است به پایان برد.<sup>۶</sup>

۱. یاقوت، کتاب پیشین، ج ۶، ص ۲۴۵۱

۲. به عنوان نمونه برخی مجالس ابن عصره، ابن جوزی، ج ۱۱، ص ۲۰۷ و ج ۱۳، ص ۱۴۶ و ابن العماد، ج ۳، ص ۱۷۷ و، ذهبی، تاریخ الاسلام، همان کتاب، ج ۱۱، ص ۳۹۴،

۳. ابن عساکر، ج ۵۲، ص ۱۹۵

۴. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۶۲

۵. همان، ص ۲۴۵۷

۶. همان

او در سه سال بعد کتاب تاریخ را به پایان رساند.<sup>۱</sup> املاء و نگارش کتابی در اخلاق به نام «الآداب النفیسة والاخلاق الحمیده»

مطالعه و پژوهش درباره موضوع قیاس که مربوط به اصول فقه است. از آخرین تلاش‌های علمی طبری در این سال‌ها بود.<sup>۲</sup>

طبری در میانه سال‌های ۳۰۰ تا ۳۱۰ ق در پاسخ به انکار حدیث غدیر خم، بوسیله چهره حنبلی متهم به ناصبی‌گری بغداد و از سران حنفیان بغداد، ابوبکر بن داود سجستانی به بررسی و املاء سندهای مختلف حدیث غدیر پرداخت و برای آن هفتاد و پنج طریق ذکر کرد و در ادامه آن فضایل امام علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را نقل کرد.

در سال ۳۰۹ ق ابوبکر بن داود، که احتمالاً در صدد عکس العمل به کتاب اسناد حدیث غدیر بود، با دستاویز قراردادن برخی از فتاوا و آراء علمی طبری او را متهم به تشیع و جهمی‌گری کرد و در این مورد به نصر بن حاجب مراجعه و علیه طبری اقامه دعوا کرد. برخی از این اتهام‌ها چنانکه ابن جوزی آن را گزارش داده است به قرار زیر است:

اتهام تشیع به خاطر مشابهت نظر او با نظر فقهی شیعیان درباره مسح پاها در وضو، به جای شستن آن، چنانکه اکثر اهل سنت برآند.

اتهام جهمی‌گری و کفر به خاطر اینکه آیه «بل یداه مبسوطان»<sup>۳</sup> را، به معنای نعمت‌های گسترده تفسیر کرده است. آنچنان که جهیمان تفسیر کرده‌اند. درباره روایتی درباره نحوه جان دادن رسول خدا در آغوش علی بن ابیطالب که ابن ابی‌داود نقل آن را به گونه‌ای به طبری نسبت داده که مخالف مشرب اهل سنت است.<sup>۴</sup>

ولی همانطور که آثار به جامانده از طبری گواه اوست، در هیچ‌کدام از این مسائل اتهام‌های سجستانی بر او وارد نیست، چراکه طبری در مورد وضو با استناد به برداشتش از آیه قرآن و روایاتی که بطور گسترده نقل کرده است، قائل به مسح کردن و شستن پاهاست<sup>۵</sup> نه اینکه مانند نظر شیعه فقط مسح پاها را واجب بداند و در تفسیر آیه «بل یداه مبسوطان» نظر اهل حدیث را که قائل به اثبات صفت برای خداوند بدون تاویل آن به نعمت‌های الهی بودند را ترجیح داده و در مورد روایت نیز با استناد به ذکر سلسله سند

۱. یاقوت حموی، معجم الادباء ج ۶، ص ۲۴۵۷

۲. همان، ص ۲۴۶۲

۳. سوره انعام (۵)، آیه ۶۴.

۴. این روایت در کتاب فضائل امیر المؤمنین، طبری بوده و قاضی ابن نعمان آن را نقل کرده است، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار ج ۱، ص ۱۴۰، رسول جعفریان شذرات من کتاب فضائل علی علیه السلام و کتاب الولا، انتشارات دلیل، ص ۴۳، و یوسفی غروی محمد هادی؛ مترجم، حسینعلی عربی، طبری و کتاب طرق حدیث غدیر، مجله تاریخ در آئینه پژوهش، پیش شماره یک

۵. محمد بن جریر طبری، تفسیر، همان کتاب، ج ۶، ص ۸۳.

۶. همان ج ۸، ص ۱۹۵

و اشاره به راویان معتبر آن نزد رجال اهل سنت از نقل آن دفاع کرد و به تفاوت این روایت با روایت مورد نظر شیعه اشاره کرده است. طبری ضمن انکار این اتهام‌ها زمان مشخصی را در ذی‌القعدة سال ۳۰۹ ق برای مناظره با حنبلیان در مورد مسائلی که بر او خرده گرفته بودند، در خانه وزیر علی بن عیسی مقرر کرد<sup>۱</sup> اما هیچکدام از بزرگان حنبلی در این مناظره شرکت نکرد و طبری با نامه‌ای ضمن نکوهش این فرقه پاسخ‌های خود را به این اشکال‌ها ارایه کرد.<sup>۲</sup>

املاء و نگارش کتابی در اخلاق به نام «الآداب النفیسة والاحلاق الحمیدة»

مطالعه و پژوهش درباره موضوع قیاس که مربوط به اصول فقه است. از آخرین تلاش‌های علمی طبری در این سال‌ها بود.<sup>۳</sup>

### وفات طبری :

طبری در شامگاه یکشنبه ۲۸ شوال ۳۱۰ ق پس از گذراندن چندروز در بستر بیماری وفات کرد، با توجه به مقام علمی او و دوست داران فراوانش، انتظار می‌رفت که تشییع باشکوهی داشته باشد اما بخاطر کینه‌ای که حنبلیان از او به دل داشتند مانع از تشییع جنازه او شدند و او شبانه در خانه اش دفن شد اما تا ماه‌ها هزاران نفر بر سر مزارش براو نمازگزارند و او را بزرگداشتند.<sup>۴</sup>

### گرایش فرقه‌ای طبری:

همانطور که گذشت، علیرغم جایگاه علمی طبری نزد اهل سنت، در سال‌های آخر عمر طبری عده‌ای از دشمنان حنبلی‌اش او را به مذهب تشیع منتسب کردند.

دلایلی را که اینان برای اتهام تشیع به طبری ذکر نکرده بودند، گذشت اما به نظر می‌آید در دوره‌های بعدی اگر کسانی مانند محقق خوانساری صاحب روضات الجنات او را شیعه دانسته‌اند به علت‌های دیگری بازمی‌گردد از جمله:

۱. شباهت نام او و نام پدرش با شخصیت‌های دیگری که در همین برهه زمانی زندگانی می‌کردند مانند محمد بن جریر

از اصحاب امام عسکری، و محمد بن جریر بن رستم، صاحب کتاب «المسترشد» و معاصر حسین بن روح و طبری

صاحب کتاب «دلایل الامامة» و شاگرد صاحب «المسترشد»<sup>۱</sup>

۱. ابن جوزی، ج ۱۳، ص ۲۰۰ این کثیر، ج ۱۱، ص ۱۳۲، ذهبی، ذهبی، تاریخ الاسلام، همان کتاب، ج ۲۳، ص ۳۲

۲. ابن جوزی، همان، ص ۲۱۷

۳. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۶۲

۴. ابن اثیر، الکامل، ج ۸، ص ۱۳۴ و ابن مسکویه ابو علی الرازی، تحقیق ابو القاسم امامی، تجارب الأمم، تهران، سروش، چاپ دوم، ج ۵، ص ۱۴۲

۲. شعر ابوبکر طخارزمی (طبری - خوارزمی) که دایی اش محمد بن جریر را شیعه‌ای می‌داند که مذهبش را برای او به

ارث گذاشته است. البته برخی خواهرزادگی ابوبکر را انکار کرده‌اند اما این ادعا برخلاف نقل‌های صریح تاریخی

است.<sup>۲</sup>

۳. تدوین کتاب «طرق حدیث غدیر» یا «الولایه» در سال‌های آخر عمر

پیش از بررسی این قرائن باید یادآور شد که واژه «شیعه» در تاریخ، سه معنای اصلی داشته است:

- شیعه به معنای کسی که اعتقاد به خلافت بلافضل علی بن ابیطالب (علیهما السلام) پس از پیامبر (ص) دارد که از آن به شیعه اعتقادی گویند.

- شیعه به معنای کسانی که علی را بر دیگر صحابه یا بر عثمان برتری می‌دادند، هرچند خلافت شیخین را پذیرفته مشروع می‌دانند. که به آنان شیعیان عراقی یا شیعه تفضیلی نیز گفته می‌شود. گروهی از معتزلیان نیز این اعتقاد را داشته‌اند.

- کسانی که نسبت به علی (علیه السلام) و اهل بیت پیامبر (ص) ابراز محبت و دوستی می‌نمایند هرچند از لحاظ اعتقادی خلفای راشدین را به ترتیب می‌پذیرند.<sup>۳</sup>

به پندار نویسنده، با این توضیح در مورد معنای شیعه در طول تاریخ، با وجود قراین بالا دلیلی برای شیعه اعتقادی دانستن طبری، نمی‌ماند و تنها مطلبی که قابل دفاع است شیعه بودن طبری به معنای محب علی (علیه السلام) و اهل بیت اوست که مانعی برای پذیرش آن نسبت به طبری نیست. آثار به‌جا مانده از او نیز تاییدکننده این مطلباند: چه آثاری چون کتاب اعتقادی او به نام «صریح السنه» و چه کتابی به نام «التبصیر» که برای هشدار به همشهریان‌ش نسبت به تشیعی که در میان‌شان می‌دیده نگاشته و چه در لابه‌لای تفسیر و تاریخ او، طبری در شرح اعتقاداتش در کتاب «صریح السنه» گوید:

«شهادت می‌دهم که اعتقاد من این است که برترین صحابه رسول خدا ابوبکر صدیق و سپس عمر فاروق و سپس عثمان ذی

النورین و سپس امیرالمؤمنین و امام‌المتقین علی بن ابیطالب علیهما السلام هستند».<sup>۱</sup>

۱. نعمت الله، صفری فروشانی، محمد بن جریر طبری آملی و دلایل الامامة، مجله علوم حدیث شماره های ۳۷ و ۳۸

۲. طبری، به کوشش رسول جعفریان، بخش‌های به‌جا مانده از کتاب فضائل علی بن ابی طالب و کتاب الولایه، انتشارات دلیل، قم، ۱۳۷۹، ص ۲۵

۳. علی ربانی گلپایگانی، در آمدی بر شیعه شناسی، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۲، ص ۲۲ و رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، از آغاز تا قرن دهم، ج ۱، انصاریان، قم، ۱۳۷۹، ص ۲۳ و ۶۷

بنابه نقل ابو علی از شاگردان او، طبری هرآنکه را که اعتقاد او را در امامت ابو بکر و عمر و عثمان و علی به ترتیبی که اعتقاد اهل حدیث بود، انکار می‌کرد، کافر می‌دانست و گفتار و گواهی رافضیان (شیعیان اعتقادی) و خوارج را نمی‌پذیرفت و آنان را کافرانی می‌شمرد که نمی‌توانند از یک مسلمان (سنی مذهب) ارث ببرند.<sup>۲</sup> او در مناظره‌ای نظر ابن صالح (از محدثان مورد وثوق اهل سنت متوفی ۳۰۷ق) را درباره کسی پرسید که اعتقاد داشت ابو بکر و عمر امام هدایت نیستند و وقتی ابن صالح این شخص را از نظر خود بدعت‌گذار دانست، طبری با عصبانیت و انکار نسبت به این اظهار نظر، چنین شخصی را کافری مستحق مرگ دانست.<sup>۴</sup>

طبری این نظر را در آثار دیگرش به خصوص در شرح روایت از پیامبر که ارث بردن کافر از مسلمان را نفی می‌کند ذکر کرده است.<sup>۵</sup>

علت فرار طبری از آمل در آخرین سفر به زادگاهش تلاش او برای مقابله با تشیعی رو به افزایش در آن سامان با نقل فضایل شیخین بود.<sup>۶</sup>

در واپسین لحظاتی که شاگردان نزدیک طبری نزدش جمع شده بودند و از او -به عنوان مرجع و حجت میان خود و خدا- آخرین راهنمایی‌ها را طلبیدند، طبری به صراحت، دینی که براساس آن بندگی خدا را می‌نماید و آن را دین خود دانسته، همان مطالبی دانست که در کتاب هایش بیان کرده و شاگردانش را به پیروی و عمل به آن توصیه کرد.<sup>۷</sup>

هرچند طبری در کتاب اعتقاداتش «صریح‌السنه» به صراحت اعتقادات خود را بیان کرده اما از آنجا که برخی از محققان با توجه به قرآینی از جمله اینکه: این کتاب پس از حمله حنبلیان به طبری در مسجد جامع بغداد نوشته شده<sup>۸</sup> و طبری با نوشتن آن سعی داشت تا ناراحتی آنان را از سخنانی که درباره احمد بن حنبل گفته بود جبران کند<sup>۹</sup>. و تأثیرپذیری طبری از این فشارها را لااقل در لحن و برخی از محتوای این کتاب آشکار است، این کتاب را بازگو کننده باورهای واقعی طبری ندانسته و این احتمال را داده‌اند که این کتاب تنها وسیله‌ای برای حفظ طبری از حمله‌ها و تعرض‌های حنبلیان تندروی است. اما به نظر می‌آید می‌توان با

۱. الطبری أبو جعفر، تحقیق، بدر یوسف المعتوق، صریح السنه، دار الخلفاء للكتاب الإسلامی، الكويت، ۱۴۰۵، ص ۲۴

۲. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۶۳

۳. ج ۲، ص ۴۳۶

۴. ابن عساکر، ج ۵۲، ص ۲۰۱، ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۱۴، ۵۲۷

۵. یاقوت، ج ۶، ص ۲۴۶۳

۶. همان، ص ۲۴۶۴

۷. ابن عساکر، ج ۵۲، ص ۲۰۳

۸. رسول جعفریان، اهل حدیث و کتاب، صریح السنه طبری، مقالات تاریخی، دفتر دوم، انصاریان، قم، ۱۳۷۶

۹. یاقوت، همان کتاب، ج ۶، ص ۲۴۵۱



توجه به گزارش‌هایی که گذشت و با نگاهی به تفسیر طبری که از طرفی طی چند سال نوشته شده و در این مدت می‌توانسته عقاید و باورهای واقعی طبری را در خود جای دهد و از طرف دیگر با نگاهی عالمانه و دقیق و بدون مسامحه نگاشته شده و می‌توان آراء برگزیده آن را نظرات خود طبری دانست و به قضاوتی منصفانه در مورد اعتقادات او دست یافت.

#### نگاه طبری به مسائل اعتقادی مورد اختلاف مذاهب

طبری مساله اعتقاد به رؤیت خداوند در قیامت را ذیل آیات ۲۲ قیامت<sup>۱</sup>، ۱۰۳ سوره انعام<sup>۲</sup> مطرح کرده و به سان یک پیرو مکتب اهل حدیث<sup>۳</sup> با وجود نظر مخالف، همین اعتقاد را پذیرفته است که کاملاً مخالف مسلک شیعه و معتزلان سنی است. مساله اثبات صفات خیری (صفاتی که در ظاهر ادله نقلی متشابه آمده و عقل آنها را به خودی خود برای خداوند اثبات نمی‌کند و نیز در آیات محکم از باریتعالی نفی شده است<sup>۴</sup>) که در برخی از سطوح مستلزم تشبیه خداوند به مخلوقات است و از ویژگی‌های اعتقادی اهل حدیث نیز مساله دیگری است که ما آن را در تفسیر طبری ذیل آیاتی مانند آیه ۱۰ سوره فتح<sup>۵</sup> و ۶۴ سوره مائده<sup>۶</sup> می‌یابیم.<sup>۷</sup>

با توجه به نظری که طبری ذیل آیه سوره حج ذکر کرده<sup>۸</sup> می‌توان دانست که او امکان سهو پیامبر (ص) در متن پیامی که از خدا دریافت می‌کند را می‌پذیرد و هیچ پیامبری را بدون سهو نمی‌داند، زیرا با تفسیر او، آیه یاد شده به منظور تسلادادن به پیامبر (ص) اکرم نازل شده تا این مطلب را منتقل کند که همه پیامبران مبتلا به سهو بوده‌اند. و براین اساس گرچه شیطان در حریم وحی نفوذ دارد و چیزی را بر خلاف گفته خدا القا می‌کند لیکن خداوند آن کلام شیطانی را نسخ می‌نماید و آیات واقعی خود را حاکم و نافذ می‌سازد.<sup>۹</sup>

۱. محمد بن جریر طبری، تفسیر، همان کتاب، همان کتاب، ج ۲۹، ص ۱۲۰.

۲. طبری همان کتاب، ج ۷، ص ۲۰۰.

۳. رضا برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، مؤسسه فرهنگی طه، چهارم، قم، ۱۳۸۱. ص ۱۲۲ و ۳ علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، دوم، ۱۳۸۱، ص ۲۳۵.

۴. رضا برنجکار، همان، ص ۱۳۰، ۱۲۷ و علی ربانی همان، ص ۱۹۵.

۵. محمد بن جریر طبری، تفسیر، همان کتاب، ج ۲۶، ص ۴۸.

۶. همان، ج ۶، ص ۱۹۴.

۷. عبدالله، جوادی آملی، ادب نقد، یادنامه طبری؛ به مناسبت بزرگداشت یک‌هزار و یک، صدمین سالگرد درگذشت، سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، تهران.

۸. طبری، همان، ج ۱۷، ص ۱۳۵.

۹. عبدالله، جوادی آملی، همان.

امکان بت‌پرستی پیامبران، پیش از نبوت نیز از باورهای دیگر طبری است که وابستگی او را به مکتب اهل‌حدیث بیشتر آشکار می‌سازد این مطلب از تفسیری که او برای آیات مربوط به مواجهه حضرت ابراهیم با ماه‌پرستان و خورشیدپرستان<sup>۱</sup> بیان می‌کند و در آن ابراهیم را مشرک می‌داند<sup>۲</sup> قابل برداشت است.<sup>۳</sup>

باور نداشتن عصمت انبیا از تفسیری که برای آیه‌های زیر کرده قابل استفاده است چرا که در ضمن آن به ارتکاب گناه از سوی پیامبر اسلام (ص) و دیگر پیامبران اشاره دارد: سوره نمل آیه ۱۱،<sup>۴</sup> آیه آخر سوره نصر<sup>۵</sup> و آیه دوم سوره فتح<sup>۶</sup>

یکی از عرصه‌های اثبات امامت امام امیرالمؤمنین و خلافت بلافضل ایشان، تفسیر قرآن و نقل روایت‌هایی است که آیات مربوط به امامت ایشان را تفسیر کرده است. طبری در تفسیر آیه ۵۵ سوره مائده، با توجه به روایت‌های فراوانی که در کتب اهل سنت نیز بسیار وجود دارد<sup>۷</sup> و در مورد تعیین علی بن ابیطالب (علیهما السلام) به عنوان سرپرست و امام مسلمان است که در حالت رکوع صدقه داد، طبری برخلاف ظاهر آیه، ولایت در این آیه را به معنای نصرت و یاری تفسیر کرده و با نقل برخی روایت‌های ضعیف که شأن نزول دیگری را نیز برای این آیه ذکر کرده<sup>۸</sup>، راه را برای تردید در این امر واضح باز کرده است.<sup>۹</sup>

طبری در ذیل آیات مشهور مرتبط با واقعه غدیردر سوره مائده، مانند کتاب تاریخ خود هیچگونه اشاره‌ای به این واقعه نکرده است<sup>۱۰</sup> و شاید همین کتمان فاحش باعث احساس تقصیر نسبت به این واقعه شده و طبری را واداشته تا در کتاب الولایه یا همان اسناد حدیث غدیر این واقعه را با هفتاد و پنج طریق نقل کند بطوریکه شخصیتی مانند شمس الدین ذهبی با دیدن بخشی از این کتاب مفصل، به این واقعه یقین پیدا نماید<sup>۱۱</sup> هرچند برخی چون استاد عبدالعزیز طباطبایی نگارش این کتاب را به انگیزه رسوا کردن رقیب علمی طبری یعنی ابن ابی داود سجستانی و نشان دادن عمق جهل و نادانی او به اخبار دانسته است.<sup>۱۲</sup>

۱. الأنعام، ۷۶ تا ۷۸

۲. طبری، همان، ج ۷، ص، ۱۶۲

۳. عبدالله، جوادی آملی، همان

۴. محمد بن جریر طبری، تفسیر، همان کتاب، ج ۱۹، ص، ۸۴

۵. همان، ج ۳۰، ص، ۲۱۷

۶. همان، ج ۲۶، ص، ۴۳

۷. سید علی میلانی، آیه الولایه،

۸. طبری، محمد بن جریر طبری، تفسیر، ج ۶، ص، ۱۸۶

۹. رضا استادی همان، عبدالله جوادی آملی همان

۱۰. طبری، همان، ج ۶، ص، ۱۹۹

۱۱. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۱۴، ۲۷۷

۱۲. سید عبدالعزیز طباطبائی، الغدیر فی التراث الاسلامی، دار المورخ العربی، بیروت، ۱۴۱۴، ص ۳۵

از مجموع حدود سی آیه قرآن که محدثان اهل سنت نیز روایاتی را درباره اهل بیت در تفسیر آنها آورده‌اند<sup>۱</sup>، طبری تنها ذیل هشت آیه از این آیات به نقل روایت‌هایی که این آیات را در فضایل اهل بیت می‌دانست پرداخته و در موارد بسیاری روایت‌های مخالف این روایت‌ها را نیز نقل کرده و در این موارد نیز غالباً یا بدون ترجیح میان روایت‌های مخالف با روایت‌های فضائل اهل بیت یا با ترجیح روایت‌های مخالف، عبور کرده است، به طوریکه نویسنده محترم مقاله «اهل بیت رسالت در تفسیر طبری» به این نتیجه رسیده است که طبری در نقل این روایات جانب بی طرفی را حفظ نکرده و در کتمان روایات فضایل اهل بیت کوشیده است.<sup>۲</sup>

بر اساس تمام این شواهد، نهایت چیزی که می‌توان گفت، این است که طبری همچنانکه شاگردش و علمای دیگری مانند ذهبی و ابن کثیر و ابن جوزی و... گفته‌اند، دانشمندی زبردست و متعلق به نحله اهل حدیث و سلفی می‌باشد چنانکه نویسنده مقاله طبری و سلفی‌گری هم به این نتیجه تصریح کرد.<sup>۳</sup> اگر هم نسبت تشیع را به طبری بپذیریم در همان حد تشیع به معنای محبت به اهل بیت است و نه بیشتر و البته با توجه به جوی که در آن برهه بر محیط علمی- حدیثی بغداد حاکم بود، جا داشت که این حد از دلمشغولی نسبت به خاندان پیامبر (ص) را هم تشیع نام نهاد که یقیناً با تشیع اعتقادی فرسنگ‌ها فاصله دارد.

برخی از ویژگی‌های تأثیر گذار طبری:

در این بند برخی عوامل فردی تأثیرگذار بر حیات علمی و آثار طبری ارایه می‌شود. این موارد با مطالعه گزارش‌های برجای مانده درباره زندگی طبری بدست می‌آید و طبعاً در فهم نگاه علمی طبری و اظهار نظرهایش مؤثر است:

### کثرت و تنوع در اساتید:

طبری نیمی از عمر خود را در سفر برای بهره‌گیری از اساتید اقلیم‌های مختلف سیری کرده است، این تلاش طبری از طرفی باعث آگاهی او از روایات سرزمین‌های مختلف اسلامی شده که هرکدام مذاق حدیثی مخصوص به خود را داشتند به همین جهت است که طبری را نمی‌توان منحصر به مکتب تاریخی و حدیثی عراق یا حجاز دانست. از طرف دیگر طبری را موفق به درک اساتیدی کرده که در آخرین سال‌های عمر، محصول سال‌ها تلاش خود را به طبری سپرده‌اند و با این کار توانسته روایاتش را باسندهای

۱. رضا استادی، همان

۲. همان

۳. سید ابراهیم سید علوی، طبری و سلفی‌گری، یادنامه طبری،؛ به مناسبت بزرگداشت یک‌هزار و یکصدمین سالگرد درگذشت، سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، تهران، ص ۵۰۱

عالی که واسطه‌های کمتری تا گوینده اصلی دارد نقل کند. این کار از بعد دیگر حجم احادیث مورد اطلاع طبری را به شدت بالا برده به گونه‌ای که باید او را حافظ بیش از پانصد هزار حدیث دانست.

### حافظه بسیار قوی:

به جرأت می‌توان ادعا کرد که طبری سهم بسیاری از موفقیت‌های خود را مدیون این حافظه است. قدرت حفظ او چنان بود که دیوان‌های شعر شاعران معروف جاهلیت و اسلام را حفظ کرده بود، مثلاً شعر طرماع را که در مصر کتابی از آن یافت نمی‌شد، به جامعه علمی مصر در آن روزگار تقدیم کرد.<sup>۱</sup> همین حافظه سبب شد تا طبری بتواند از امتحان ابوکریب کوفی سربلند بیرون بیاید و زمینه برای آموختن یکصد هزار حدیث با سندهای عالی از ابوکریب که نادره دوران خود در حدیث عراق بود؛ برای او فراهم شود چرا که ابوکریب در آن زمان بخاطر تندخویی و دوری از بیان حدیث از پذیرش شاگرد امتناع می‌کرد.<sup>۲</sup>

### کسب مهارت در رشته‌های مختلف علمی:

رشته‌هایی را که طبری در آنها علاوه بر آشنایی تخصص داشت، بسیار است. طبری به گواهی شاگردانش در علوم مختلفی مانند قرائت، فقه، تفسیر و جبر و منطق و ریاضیات، اصول فقه استاد و در بیشتر آنها دارای تألیف بود.<sup>۳</sup> این تبحر در رشته‌های مختلف افق درک و سعی را برای او باز کرد که می‌توان، نمود آن را در تأسیس مذهب فقهی خاص طبری به نام «جریریه» یافت.

### توجه به داد و ستد علمی و عرضه معلومات:

طبری در قالب‌های تدریس یا مناظره و مباحثه به داد و ستد علمی می‌پرداخت، آنچنان که خود در خاطره‌ای از سفر مصر می‌گوید: «در مصر دانشمندی مانند مگر اینکه مرا در رشته خود امتحان کرد» و تلاش در این عرصه انسان را به نواقص موجود در کارش واقف می‌سازد و بر اتقان دانش او می‌افزاید. چنانکه طبری نیز که تا همین سفراز آموختن دانش عروض غافل مانده بود، با سؤال عروضی یک مراجعه‌کننده نسبت به این نقص خود هشیار شد و آن را به کمک استعداد و تلاش خود، با مطالعه کتاب عروض خلیل بن احمد فراهیدی در یک شب، برطرف کرد و یکشنبه عروضی شد.<sup>۴</sup>

۱. یاقوت حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۴۸

۲. همان، ص ۲۴۴۷

۳. همان، ص ۲۴۵۲ و عبد الرحمن حسن العزاوی، الطبری السیره و التاريخ، چاپ اول، دار الشؤون الثقافیه العامه، بغداد ۱۹۸۹ ص ۷۱

۴. یاقوت، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۴۹

## پشتکار علمی:

طبری در جوانی، زمانی که در ری در محضر محمد بن حمید رازی حدیث فرا می‌گرفت، در شبانه روز در چندین مجلس حدیث شرکت می‌کرد که در مکان‌های متفاوت و دور از هم قرار داشت. بطوریکه مجبور بود، برای رسیدن به برخی از این جلسه‌ها، دوان‌دوان خود را به مجلس درس برساند و با این تلاش بود که توانست بیش از صد هزار حدیث از محمد بن حمید فراگیرد.<sup>۱</sup> در بغداد، پس از با خبر شدن از اینکه قاری توانایی وارد بغداد شده، نزد او شتافت و قرائتش را بر او عرضه کرد در حالیکه خود در اوج شهرت و استاد قرائت بود و مردم از نقاط مختلف برای شنیدن قرائت او در نماز جماعتش حاضر می‌شدند، ولی متأسفانه دید که فرد مشهور در قرائت، اشتباه‌های فاحشی در این فن دارد.<sup>۲</sup>

در سفر او به بیروت و شام و . . . برای فراگرفتن قرائت شامیان از عباس بن الولید در بیروت چند روزی اقامت کرد که نه شب آن را در مسجد جامع بیروت سپری کرد تا قرآن را با این قرائت را ختم کند و فرا بگیرد.<sup>۳</sup> این جدیت و سخت‌کوشی را در لحظه‌های آخر عمر طبری نیز می‌توان یافت. در این لحظه‌ها وقتی از یکی از عبادت‌کنندگان حدیثی را از امام صادق (علیه‌السلام) شنید، قلم و دوات خواست و آن را یادداشت کرد.<sup>۴</sup>

## تمرکز علمی:

طبری از کودکی دانش آموختن را شروع کرد<sup>۵</sup> و این کار را تا لحظات پایانی عمر رها نکرد او حتی برای از دست ندادن فرصت هیچگاه ازدواج نکرد و از این رهگذر تمام عمر خویش را پس از دوران طفولیت به کسب علم اختصاص داد. نکته مهم دیگر دوری او از کارهای اجرایی فرصت‌سوز است که در زندگانی بزرگانی چون بوعلی سینا و ابوریحان و خواجه نصیر و شیخ بهایی و . . . یافت می‌شود که وجود این عامل در زندگی این بزرگان بر کمیت و کیفیت آثارشان، تاثیر منفی بسیاری داشت.

---

۱. همان، ص، ۲۴۴۶

۲. همان، ص، ۲۴۵۵

۳. ابن عساکر، ج ۵۲، ص ۱۹۱

۴. همان ص ۱۹۹

۵. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص، ۲۴۴۶

## دقت نظر و اتقان در کار:

با دقت در آثار بسیاری از بزرگان دیده می‌شود که مقدار و حجم کار با کیفیت کار در آثارشان نسبت عکس دارد، و معمولاً یکی فدای دیگری می‌شود. ولی طبری را باید جزء کسانی دانست که درکنار حجم بالای آثار به کیفیت و اتقان آن نیز توجه کافی داشت.

شاهد این دقت و اتقان گفتار ابو عمر زاهد (متوفی ۳۴۵) است که روزگار را با مقابله و تطبیق نسخه‌های خطی نوشته شده از روی نسخه‌های اصلی با نسخه اصلی آن می‌گذراند، روزی طبری کتاب تفسیرش را برای مقابله به او داد، ابو عمرو که کتاب‌های زیادی را مقابله کرده بود، پس از مقابله و تطبیق نسخه جدید با نسخه‌های اصلی، گفته بود که حتی یک خطای لغوی یا نحوی در نسخه طبری نیافته است.<sup>۱</sup> شاهد دیگر شیوه طبری در نگارش حدیث است وقتی مردی به او گفت: «اصحاب حدیث به صورت گزینش و انتخاب از میان احادیثی که در مجلس درس می‌شنوند، حدیث نقل می‌کنند.» طبری پاسخ داد: «ما اینگونه عمل نمی‌کردیم بلکه همه احادیث کتابی را که بر استاد قرائت می‌کردیم یا از او سماع می‌کردیم نقل می‌کردیم چراکه با نقل گزینشی، ممکن است بسیاری از روایات مورد نیاز فراموش شود. من یک بار کتاب مسند یعقوب بن ابراهیم دورقی را نوشتم، اما مقداری از آن باقیماند و بخاطر فاصله زمانی، ترتیب احادیثی که نانوخته مانده بود را فراموش کردم، به همین دلیل این کتاب را دوباره از اول و به طور کامل نگاشتم»<sup>۲</sup>

## ساده زیستی و قناعت:

طبری آنچنان که می‌بینیم تمام عمر را با درآمد مختصر زمین پدری اش در مازندران گذراند و در تمام عمر وابسته به آن بود چنانکه در مواقعی که این درآمد نمی‌رسید یا به نحوی مختل می‌شد، طبری دچار بحران در مورد معاشش بود که او را مجبور به کسب درآمد و بازماندن از دانش اندوزی می‌کرد.<sup>۳</sup> هرچند این حوادث در طول زندگانی طولانی او دور از زادگاهش، کم رخ داده است.

۱. همان، ص، ۲۴۵۳

۲. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص، ۲۴۴۷

۳. ابن عساکر، ج ۵۲، ص ۱۹۳

## تعصب مذهبی:

تعصب مذهبی طبری و پافشاری او بر مذهب اهل سنت، باید با دقت در تحلیل حوادث زندگی طبری و آثار او مورد توجه قرار گیرد، او با وجود نقل روایت‌های فراوانی در فضایل علی بن ابی طالب و اهل بیت که شاید به تعبیر قاضی نعمان، یکی از این روایت‌ها برای مجاب کردن یک انسان بی تعصب، نسبت به پذیرش مکتب اهل بیت کافی بود، بر مذهب خود پای می‌فشارد و حتی تلاش‌های قابل توجهی را برای مقابله با مذهب تشیع در طبرستان انجام می‌دهد، که به آن اشاره شد. نکته دیگر درجه سختگیری او نسبت به شیعه است که با وجود روایات فراوانی از پیامبر (ص) اسلام که خون گوینده شهادتین را محترم و او را مسلمان می‌داند، طبری شیعیان را کافر و کاملاً مستحق اعدام و قتل می‌داند.

شاید اوج تعصب طبری را در کتمان حدیث غدیر در دو کتاب معروفش یعنی تاریخ و تفسیر بتوان یافت که با وجود این اطلاع وسیع او نسبت به این حدیث که سال‌ها بعد باعث یقین چهره‌ای حدیث‌شناس مانند ذهبی به این واقعه می‌شود، اتفاق افتاده و چیزی جز تعصب مذهبی توجیه‌گر این کتمان نیست چنانکه در متنی که از دانشمند بنام ابن جوزی گذشت، اعتراف به چنین کاری از دیگر دانشمندان اهل حدیث آمده بود و اینکار طبری امری رایج در آن عصر بود.

جالب است بدانیم که در ساعت‌های آخر عمر طبری وقتی شاگردش از او می‌خواهد تا همه کسانی که با او دشمنی کرده‌اند، حلال کند، طبری تنها از کسانی که او را به تشیع و کفر متهم کرده‌اند، نمی‌گذرد.<sup>۲</sup>

## رابطه خوب با مراکز قدرت علیرغم نپذیرفتن مناصب رسمی

این رابطه با توجه به اندیشه سیاسی طبری، کاملاً معنادیر است. طبری در تفسیر آیه ۵۷ سوره نساء، پس از نقل چند روایت از جمله روایت ابوهریره:

«پس از من والیانی سرپرستی شما را به عهده می‌گیرند، والیان خوب و صالح به خوبی و صلاح عمل می‌کنند و والیان بد و طالح به جور رفتار می‌نمایند، شما هرآنچه را موافق حق است بشنوید و پیروی کنید و پشت سر آنها نماز بگذارید اگر به نیکی رفتار کردند به سود شما و آنهاست و اگر به بدی عمل نمودند به سود شما و زیان آنان خواهد بود.»

۱. مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیشابوری، تحقیق، محمد فؤاد عبد الباقي، صحیح مسلم، دار إحياء التراث العربی - بیروت ج ۱، ص ۳۹ و ۴۳

۲. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۶۳

منظور خداوند متعال از اولی‌الامیری که باید اطاعت شود را امیران و والیان می‌داند<sup>۱</sup> این تفسیر از این آیه و روایاتی که در ذیل آن نقل شده، به روشنی بیان کنند اندیشه سیاسی طبری است که غالب اهل سنت به آن باور دارند و راه را برای حکمرانی و آزادی مطلق‌العنان حاکمان جائز در جامعه اسلامی هموار کرده است. البته از شیوه زندگی طبری هم، سلوک بر اساس این اندیشه به خوبی نمایان است.

و طبیعتاً طبری رابرای فرصت طولانی برای تدریس و نگارش و در امان نسبی ماندن از کینه‌جوئی‌های حنبلیان متعصب، وامدار این رویکرد، باید دانست. توجه به این نکته نیز لازم است که یکی از شاخصه‌های دانشمندان و بزرگان اهل حدیث، توجه به زهد ظاهری و کناره‌گیری از دنیاست که در شرح حال آنان و در آثاری که به نام «الزهد» نگاشته‌اند، آشکار است.<sup>۲</sup> شاید بتوان کناره‌گیری طبری از مناصب دولتی را نیز با این رویکرد توجیه نمود. اینک شواهدی برای این رابطه به نقل از منابع تاریخی:

- او در آغاز ورود به بغداد تربیت و تعلیم کودکان وزیر متوکل عبید الله بن فتح بن خاقان را برعهده گرفت.<sup>۳</sup>
- با درباریانی مانند ابوعلی خاقانی<sup>۴</sup> وزیر المقتدر، ابوالقاسم سلیمان بن فهر<sup>۵</sup>، حاکم موصل<sup>۶</sup>، ابوالهیجاء عبدالله بن حمدان، از سرداران و حاکمان عباسی<sup>۷</sup> هدیه رد و بدل کرده است.
- از شاگردان معروفش کسانی بوده‌اند که منصب قضاوت را در دربار عباسی داشته‌اند.<sup>۸</sup>
- داروغه بغداد، نازوک،<sup>۹</sup> برای حمایت از او در مقابل هجوم حنبلیان، با هزاران نیرو یک روز تمام از خانه اش حفاظت کرد.<sup>۱۰</sup>

---

۱. همان، ج ۵، ص ۹۵ و رضا استادی، اهل بیت رسالت در تفسیر طبری، مجله کیهان اندیشه، شماره ۲۵، ویژه نامه کنگره طبری، ۱۳۶۸

۲. پاکتچی، مقاله اهل حدیث، همان

۳. ابن عساکر، ج ۵۲، ص ۱۹۳

۴. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۶۵

۵. همان، ص ۲۴۶۷

۶. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد بن خلدون، تحقیق خلیل شحاده، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، بیروت، دار

الفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۳۱

۷. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۶۵ و الزرکلی خیر الدین، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم، للملایین،

ط التامنه، ۱۹۸۹، ج ۴، ص ۸۳

۸. ر. ک به، قسمت مربوط به شاگردان طبری در همین نوشته

۹. ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۱۴۵

۱۰. یاقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۵۰



- به سفارش المكتفی، خلیفه وقت عباسی کتاب الوقف را نگاشت که شامل آرای همه فقها مذاهب اسلامی بوده است و البته از پذیرفتن جایزه خلیفه خودداری کرد و وقتی با اصرار مواجه شد از خلیفه خواست تا به داروغه فرمان دهد از راهیابی گدایان به قسمت جلوی مسجد جامع که محل جلوس اشراف بود، جلوگیری کند.<sup>۱</sup>
- به سفارش عباس بن حسن مادرانی، وزیر وقت خلیفه عباسی المقتدر<sup>۲</sup>، که کتابی مختصر بر اساس مذهب فقهی طبری تقاضا کرده بود، کتاب «الخفیف» خلاصه کتاب «اللطف» را نگاشت، ولی پادشاه هزار دیناری او را نپذیرفت<sup>۳</sup>
- از طرف وزیر به او پیشنهاد مناصبی مانند قضاوت و دیوان مظالم می‌شود ولی او علیرغم اینکه شاگردانش او را برای پذیرفتن این مناصب تشویق کردند، این پیشنهاد را نپذیرفت و توییح‌کنان گفت: «از شما توقع داشتیم، اگر من هم می‌خواستم این مشاغل را بپذیرم شما مانع می‌شدید، نه اینکه خود مرا به آن تشویق کنید»<sup>۴</sup>
- برای مناظره با حنبلیان خانه علی بن عیسی وزیر را انتخاب کرد و درنامه ای به نصر حاجب خلیفه از آنان شکوه و نکوهششان کرد.<sup>۵</sup>
- همین وزیر هنگام مریضی او طبیب خاص برایش فرستاد.<sup>۶</sup>
- همچنین وزیر مقتدر الفضل بن جعفر بن الفرات<sup>۷</sup> در مجلس او حاضر می‌شد و طبری با او مانند افراد عادی برخورد می‌کرد.<sup>۸</sup>

### معروفترین شاگردان طبری:

جایگاه علمی و شهرت طبری می‌طلبید که در بغداد دارای مجلسی بزرگ و در خور این جایگاه باشد، اما تنش‌های طبری با حنبلیان سبب شد تا علیرغم دانش گسترده و حمایت حکومت عباسی نتواند مجلس علمی بزرگی را در بغداد داشته باشد چرا که

۱. ابن عساکر، ج ۵۲، ص ۱۹۴

۲. الزرکلی خیر الدین، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم، للملایین، ط الثامن، ۱۹۸۹، ج ۳، ص ۲۵۹

۳. ابن عساکر، ج ۵۲، ص ۱۹۴

۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۰۰ و ذهبی سیر اعلام النبلاء ج ۱۴، ص ۲۷۰

۵. ابن جوزی، ج ۱۳، ص ۲۰۰ و ابن تغر بردی النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۱، ص ۳۳۹

۶. یا قوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۶۸

۷. ابن العمرانی محمد بن علی بن محمد، تحقیق قاسم السامرائی، الانباء فی تاریخ الخلفاء، دار الآفاق العربیة، قاهره، ۱۴۲۱، ص ۲۰۱، ص ۱۵۹

۸. ابن عساکر، ج ۵۲، ص ۱۹۹ و ص ۲۰۱

حنبلیان مانع از تشکیل جلسات عمومی درس برای طبری شدند.<sup>۱</sup> به همین دلیل تعداد شاگردان طبری آنچنان که انتظار می‌رود، زیاد نیست. در اینجا به شاگردان برجسته طبری اشاره می‌شود:

۱. ابو بکر احمد بن کامل بن خلف بن شجره، صاحب اثر در دانش‌های مختلفی از جمله فقه و رجال و تاریخ و حدیث

و علوم قرآن و نحو و شعر. قاضی شهر کوفه که او را در فقه نیز تابع مذهب ابن جریر دانسته‌اند. ابوبکر کتابی نیز در

زندگی‌نامه طبری دارد که از منابع‌های اصلی زندگی‌نامه طبری در معجم‌الادباء و تاریخ بغداد و . . . بود. ابو بکر بن

کامل در نود سالگی به سال ۳۵۰ ق درگذشته است.<sup>۲</sup>

۲. عبدالله بن احمد بن جعفر فرغانی از مورخان و محدثان سده چهارم که اولین ذیل و ادامه را بر تاریخ طبری نگاشت.

او از نسل امیران ترکی بود که معتصم وارد دربار عباسی کرد و از طرف الراضی خلیفه عباسی به دربار اخشید مصر

رهسپار شد و در سال ۳۶۲ ق در مصر درگذشت.<sup>۳</sup>

۳. عبد العزیز بن محمد بن اسحاق طبری، کلامی محدث که در حدیث شاگرد طبری و در کلام شاگرد ابوالحسن اشعری

بود.<sup>۴</sup> او نیز کتابی درباره زندگی طبری دارد که مورد استفاده مورخان پس از او مانند ابن عساکر و یاقوت شده

است.<sup>۵</sup> او در حدود سال ۳۷۰ ق بدرود حیات گفت.<sup>۶</sup>

۴. ابو عمرو عبیدالله بن احمد سمسار از قاضیان سرشناس بغداد و از عالمان ادیب و محدث که در اجرای عدالت در

میان مردم کوشا بود، خطیب بغدادی، مزاحی را که میان او و طبری گذشته بازگو کرده است که به رنجش طبری از

حاضر جوابی او انجامید و خو در ملامت نمود که عامل اصلی آن بوده است.<sup>۷</sup> عبیدالله در سال ۳۶۱ ق در بغداد

درگذشت.<sup>۸</sup>

---

۱. یاقوت، معجم‌الادباء، ج ۶، ص ۲۴۴۳

۲. ابن‌العماد، ج ۴، ص ۴۶۱

۳. یاقوت، همان کتاب، ج ۴، ص ۱۴۹۴

۴. ابن عساکر، ج ۳۶، ص ۳۴۰

۵. یاقوت، معجم‌الادباء، ج ۶، ص ۲۴۶۸

۶. ذهبی، تاریخ الاسلام، همان کتاب، ج ۲۶، ص ۴۵۸

۷. همان، ج ۱۷، ص ۸

۸. همان، ص ۱۰

۵. ابوبکر أحمد بن الفضل بن العباس الخفاف الدینوری او در سال‌های آخر طبری ملازم و همدم او بود و آخرین کتاب‌هایش مانند «ذیل المذیل» و «صریح السنه» و «فضایل الجهاد» «التبصیر» را از او فراگرفت پس از طبری در مصر و دمشق و اندلس به نقل روایت مشغول بود و باید او را از عوامل انتشار احادیث طبری در اندلس دانست چنانکه وجود نامش، در طریق دانشمند مشهور ابن عبدالبر اندلسی به کتاب «ذیل المذیل» طبری<sup>۱</sup> شاهد بر این مدعاست. برخی محدثان او را به بی‌دقتی در نقل روایت متهم کرده‌اند. درگذشت او به سال ۳۴۹ ق بوده است.<sup>۲</sup>
۶. ابوبکر بغدادی کاتب محمد بن أحمد بن محمد بن أبي الثلج که از نام کتاب‌های او مانند «البشری و الزلفی فی فضائل الشیعه» و «تاریخ الائمه» می‌توان حدس زد که شیعه است و نجاشی او را در کتابش به بزرگی یاد کرده<sup>۳</sup>. البته او رادر شمار محدثان اهل سنت ذکر کرده‌اند و از بارزترین و عالم‌ترین شاگردان مکتب فقهی طبری دانسته‌اند.<sup>۴</sup>
۷. أبو الفرج المعافی بن زکریا بن یحیی بن حمید بن حماد بن داود النهروانی معروف به ابن طرار، او را از شاگردان صاحب نام مکتب فقهی طبری و از مسلط‌ترین افراد بر کتاب‌های طبری معرفی کرده‌اند که در فضل و ادب، شهره بود و صاحب آثار فراوان<sup>۵</sup>. و قاضی یکی از مناطق بغداد به شمار می‌رفت.<sup>۶</sup> او را متمایل به شیعه دانسته‌اند. وفات المعافی به سال ۳۹۰ ق ثبت شده است.<sup>۷</sup>

## طبری نوشت‌ها:

فهرست کتاب‌های طبری در منابع مختلف، اندکی تفاوت دارد، دلیل این تفاوت را می‌توان در دو نکته دانست:

- 
۱. ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد، تحقیق علی محمد الجاوی، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳.
  ۲. ابن عساکر، ج ۵، ص ۱۶۶.
  ۳. احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷، ص ۲۸۲.
  ۴. جعفر سبحانی موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۳۶۵.
  ۵. ابن ندیم، ۱، ۳۲۸.
  ۶. قفطی جمال الدین، إنباه الرواة علی أنباه النحاة، مکتبه عن، صریه، بیروت، ۱۴۲۴ هـ ق، ج ۳، ص ۲۹۶.
  ۷. جعفر سبحانی همان ج ۴، ص ۴۸۲.

سبک نگارشی طبری، اینگونه بود که ابتدا براساس هزاران حدیثی که قبلاً آموخته بود کتابی را طراحی و تبویب می‌کرد و در برخی موارد آن را می‌نگاشت (چنانکه این نکته را یاقوت در مورد کتاب «ادب النفوس» تذکر می‌دهد<sup>۱</sup>) و سپس روایات مربوط به آن را در مجلس درس بر شاگردان املاء می‌کرد و در نهایت شاگردان جدید نسخه‌های خود را از آن کتاب بر استاد باز می‌خواندند. این روش باعث می‌شد که در فرایند تدوین کتاب‌های بزرگ و پر حجم بخصوص در مواردی که کار بخش‌های نسبتاً مستقل کتاب به سامان رسیده بود، این بخش‌ها که پیشتر از کتاب اصلی در دسترس قرار می‌گرفت، خود به عنوان کتابی مستقل از طبری شناخته شود، چنانکه مثلاً در مورد کتاب «آداب القضاء» و کتاب «طرق حدیث غدیر» که هر کدام بخشی از یک کتاب مفصل‌تر بوده‌اند این نکته نقل شده است.

این مساله هنگامیکه کتاب اصلی به سرانجام نمی‌رسید و مجموعه آن کامل نمی‌شد، کار را برای فهرست‌نویسی از این آثار دشوارتر می‌کرد که آیا این کتاب‌ها خود کتاب مستقلی بوده‌اند یا جزئی از یک کتاب مفصل؟ چنانکه در مورد کتاب ناتمام فضائل اتفاق افتاده است که به احتمال شامل فضایل ابوبکر و عمر و عثمان و امام علی (علیه‌السلام) و عباس بن عبدالمطلب می‌شده است و در حال حاضر بخش‌های فضائل شیخین یا فضائل امام علی (علیه‌السلام) یا فضایل عباس به عنوان کتاب‌های مستقل فهرست شده است.<sup>۲</sup> نکته دیگر سبک یاد کردن فهرست نویسان، از عنوان یک کتاب بوده است، چرا که آنان التزامی به ذکر دقیق عنوانی که مولف کتاب بر روی اثرش گذاشته نداشتند، بلکه با توجه به موضوع کلی کتاب یا موضوع بخش یا فصلی از آن. از کتاب یاد می‌کردند و این باعث معروف شدن یک کتاب به نام‌های متعدد نیز شده است.<sup>۳</sup>

فهرست برخی از نوشته‌های طبری:

## ۱- اختلاف العلماء الامصارفی احکام شرائع الاسلام

این کتاب، اولین کتابی است که طبری تصنیف کرد و به گفته یاقوت با آن در تمام سرزمین‌های اسلامی مشهور شد. او در این کتاب آراء فقیهان بزرگ اسلام را که شامل اختلاف نظرهایشان در مسائل مختلف می‌شد، جمع‌آوری کرد. این فقیهان عبارتند از مالک بن انس فقیه مدینه، سفیان ثوری و ابوحنیفه و ابویوسف و شیبانی فقه‌های کوفه و شافعی و عبد الرحمن بن عمر و اوزاعی فقیه

۱. یاقوت حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۶۰

۲. اتان کلبرگ، همان، ص ۶۳

۳. محمد بن جریر طبری، بخش‌های باقیمانده از کتاب الولاية با مقدمه رسول جعفریان، همان، ص ۱۸

شام. این کتاب که در حجمی نزدیک به حجم تاریخ طبری تألیف شده بود<sup>۲</sup>، شامل رساله ای مربوط به مسائل علم اصول فقه در کنار کتاب‌های مختلف فقهی بود<sup>۳</sup>، اما اکنون تنها هشت کتاب از کتاب‌های فقه معاملات از آن در ۳۰۱ صفحه باقیمانده است. این کتاب را «اختلاف الفقهاء» نیز خوانده‌اند<sup>۴</sup> هرچند طبری به خاطر یاد نکردن از آراء احمد بن حنبل در این کتاب مورد تعدی حنبلیان قرار گرفت، اما با توجه به نگاه فقهی‌اش، این کتاب را بر همه کتاب‌های دیگرش ترجیح می‌داد و شاگردانش را به فراگرفتن آن تشویق می‌کرد و اختلاف و لطیف راکتاب‌هایی می‌دانست که هیچ فقیهی از آن بی‌نیاز نیست، اما با همه این توجهی که به این کتاب داشت فشار حنبلیان آنچنان بود که نتوانست آن را پیش از مرگش چندان منتشر کند و حتی در سال‌های پایانی حیات خود آن را در خاک دفن کرده بود و پس از مرگش بود که این کتاب منتشر شد.<sup>۵</sup>

## ۲- تهذیب الآثار و تفصیل الثابت عن رسول الله (ص) من الاخبار:

این کتاب نیز از کتاب‌های مشهور طبری است که مورد اقبال دانشمندان پس از طبری قرار گرفته است. این کتاب به صورت مسند و به ترتیب «عشره مبشره»<sup>۶</sup> و اهل بیت پیامبر (ص) و موالی ایشان (وابستگان) شکل گرفت گویا به همین مناسبت است که آن را کتاب المسند هم خوانده‌اند اما این کتاب نیز ناتمام مانده است<sup>۷</sup>. طبری درباره سند هر روایت، نکته‌های حدیث‌شناسی موجود در سند و متن و فقه الحدیث، آنچنان به تفصیل سخن گفته است<sup>۸</sup> که به گمان ذهبی، اگر این کتاب کامل شده بود، تعداد جلد‌های آن به یکصد جلد می‌رسید.<sup>۹</sup>

خطیب بغدادی آن را در موضوع خود بی‌نظیر دانسته<sup>۱۰</sup> و یاقوت آن را کتابی می‌داند که نگاشتن مانند آن برای دانشمندان دشوار و تکمیلش برایشان سخت است.<sup>۱۱</sup>

۱. یاقوت حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۵۷

۲. همان، ص ۲۴۵۸

۳. همان.

۴. طبری، اختلاف الفقهاء، دار الکتب العلمیة، موقع مکتبة المدینة الرقمية، بی جا بی چا

۵. یاقوت، همان، ج ۶، ص ۲۴۵۲، ابن اثیر، الکامل، ج ۸، ص ۱۳۴

۶. یاقوت حموی، معجم الأدباء ج ۶، ص ۲۴۵۱

۷. ده، صحابه پیامبر (ص) اسلام که به باور اهل سنت اهل بهشت هستند و از بقیه، صحابه بالاتر

۸. ابن عساکر، ج ۵۲، ص ۱۹

۹. طبری، تهذیب الآثار، سایت اینترنتی جامع الحدیث، السبکی عبد الوهاب بن علی بن عبد الکافی، طبقات الشافعیة الكبرى، موقع مشکاة للکتب الإسلامیة، ج ۳، ص ۷۵

۱۰. ذهبی، سیر اعلام النبلاء ج ۱۴، ص ۲۷۳

۱۱. خطیب بغدادی، ج ۲، ص ۱۶۱

این‌کثیر می‌گوید: «اگر این کتاب کامل شده بود، انسان با داشتن آن از کتاب‌های دیگر بی‌نیاز می‌شد.»<sup>۲</sup>

### ۳- بسیط القول فی احکام شرائع الاسلام

این کتاب مفصل‌ترین کتاب فقهی طبری است که در آن به مقتضای نام آن به تفصیل درباره مسائل علم فقه سخن گفته و پس از بیان اختلاف نظر هر یک از فقیهان در مسأله و بیان استدلال آن به نقد و ارزیابی آراء پرداخته است. برخی بخش‌های این کتاب مانند مقدمه و کتاب القضاء، آنچنان گسترده شده‌اند که هر کدام را به عنوان کتابی مستقل نیز شناخته‌اند.

طبری در مقدمه که شامل بیان جایگاه عالمان است، جامعه علمی آن روز را که گرفتار نقل‌گرای و روایت‌احادیث بود، به تأمل و تفقه و اندیشه‌ورزی در روایات تشویق کرده و از برخی از شاگردانش انتقاد کرده که تنها به علوم نقلی طبری اهمیت داده‌اند و از فقه او غافل مانده‌اند. در ادامه این مقدمه طولانی که خود آن را به نام «کتاب مراتب العلماء» نامیده<sup>۳</sup>، به سرگذشت فقیهان صاحب مکتب فقهی در سرزمین‌های مختلف اسلامی پرداخته است. طبری در بخش دیگری از این کتاب، که خود به عنوان «رساله فی آداب القضاء» مشهور شده است، به تفصیل به قضاوت پرداخته و ضمن برشمردن جایگاه قضاوت و داوری بین مردم در اسلام، درباره وظایف جامعه در برابر قاضی و آداب و وظایف قاضی در دادگاه و روش قضاوت به تفصیل سخن گفته، آنچنان که حجم این رساله را به هزار برگ رساند.<sup>۴</sup>

### ۴- لطیف القول فی احکام شرائع الاسلام

این کتاب را باید منبع اصلی فقه مکتب جریریه معرفی کرد که علیرغم تلاشی که طبری در آن، برای اختصار داشته اما حجم‌نزدیک به حجم کتاب تاریخ و تفسیرش داشت و یاقوت آن را از برجسته‌ترین کتاب‌های فقهی مذاهب اسلامی می‌داند. بنا به گفته یاقوت، طبری در این کتاب رساله‌ای دارد که به تفصیل در آن دیدگاه‌هایش را درباره مسائل علم «اصول فقه»، مطرح کرده است.<sup>۵</sup> طبری هیچ فقیهی را بی‌نیاز از مراجعه این کتاب نمی‌دید و به نگاشتن آن مفتخر بود.<sup>۶</sup>

۱. یاقوت، همان، ص ۲۴۴۲

۲. ابن کثیر، همان ج ۱۱، ص ۱۴۵

۳. یاقوت حموی، معجم الأدياء، ج ۶، ص ۲۴۵۹

۴. همان، ص ۲۴۶۰ و ابن عساکر ج ۵۲، ص ۱۹۷

۵. یاقوت همان، ص ۲۴۵۸

۶. همان، ص ۲۴۶۰

## ۵- کتاب فضائل :

این کتاب نام کتابی مفصل است، شامل فضایل ابوبکر و عمر و فضایل علی بن ابیطالب (علیهما السلام) و فضایل عباس عموی پیامبر، اما همانطور که در آغاز این بند گذشت بنا به شرایط زمانه بخش‌های این کتاب جداگانه و به طور مستقل مشهور شدند، انگیزه اصلی تدوین بخش‌های مختلف این کتاب را باید توجه طبری به نیاز زمانه‌اش دانست او املائی بخش فضایل شیخین را در سال ۲۹۰ ق در طبرستان آغاز کرد، هنگامیکه با رویکرد افراطی شیعیان در مورد سب و بدگویی به برخی از صحابه مواجه شد و بخش فضایل علی بن ابیطالب را در پاسخ به سخن ابوبکر بن داود سجستانی در بغداد املاء کرد. ابوبکر سجستانی طی یک اظهار نظر عجیب و نادر، تلویحا منکر حضور امام علی در حجه الوداع و در نتیجه منکر واقعه غدیر خم شد که در ادامه حجه الوداع رخ داده بود، او محدثی متهم به دشمنی و عداوت با امیرمومنان<sup>۱</sup> و رقیب علمی طبری بود<sup>۲</sup> که در موارد مختلفی با طبری به رقابت و رویایی پرداخت و البته این موارد با سکوت طبری همراه نبود، طبری پس از این اظهار نظر در حالیکه خود در تاریخ و تفسیرش اشاره‌ای به واقعه غدیر نداشت، برای نشان دادن عمق جهالت و ضعف علمی رقیب، با تمام قدرت به میدان آمد و طی جلساتی ابتدا با ذکر روایت‌های متعدد که شاهد حضور علی در حجه الوداع بود، این مساله را اثبات کرد، اما از آنجا که محیط علمی- اجتماعی بغداد در آن زمان از رویکرد عثمانی‌گری رنج می‌برد، حرکت خاصی تلقی می‌شد تا جاییکه پای محدثان شیعه را برای شنیدن و استماع این احادیث ناب از طرق صحیح طبری به مجلس او بازکرد، حضور چشمگیر مستمعان شیعی مسلک در مجلس طبری هرچند برای طبری که سالیانی در بایکوت جبهه مقابل تشیع، یعنی حنبلیان قرار گرفته بود نکته مناسبی بود، اما او که از سویی هنوز طعم تلخ مخالفت حنبلیان را به خاطر داشت و از طرف دیگر از اعماق وجود شیعیانی را که معتقد به برتری علی بر سایر صحابه و تخطئه شیخین بودند، کافران مرتدی می‌دانست که باید کشته شوند<sup>۳</sup> برای رفع اتهام تشیع از خود، شروع به نقل فضایل عمر و ابوبکر کرد و احتمالا روایاتی را که در مجلس نقل فضایل طبرستان در این موضوع نقل کرده بود، در آن گنجانده و به این ترتیب کتاب فضایل شکل گرفت.

۱. خطیب بغدادی، ج ۹، ص ۴۷۴، و ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۳۰، ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۵، ص ۳۹۹

۲. سیوطی، تذکره الحفاظ، همان کتاب، ج ۲، ص ۷۷۲، ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۳۰

۳. یاقوت حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۶۳

در این میان بنا به درخواست وزیر وقت خلیفه علی بن عیسی کتاب «فضایل» را با نقل فضایل عباس عمومی پیامبر (ص) و نیای بنی عباس که مشروعیت خلافت خود را به این رابطه نسبی استوار می‌کردند، تکمیل کرد اما در نهایت از آنجا که انگیزه این جلسات را آورده به لجاجت می‌دانست آن را رها نمود.<sup>۱</sup> طبری تا سال‌های آخر عمر درگیر اتهاماتی شد که بدنبال موج موافق تشیع کتاب فضایل در بغداد علیه شیخ حنابله ایجاد شده بود.<sup>۲</sup>

این داستان فهرست کتاب‌های طبری را با نام‌های مختلفی آشنا کرد که به احتمال قوی و بنا به نقل یاقوت، همه به بخش‌های مختلف یک کتاب فضایل باز می‌گردد. این نام‌ها از این قرار است:

کتاب طرق حدیث غدیر، کتاب «الولایه»، «کتاب فضایل علی بن ابی طالب»، کتاب «الرد علی الحرقوصیه»، کتاب «مناقب اهل بیت»، کتاب «فضایل ابوبکر و عمر» و کتاب «عیون اخبار بنی هاشم» و کتاب «فضایل عباس» و کتاب «حدیث الطیر المشوی». نسخه اصلی هیچکدام از این کتاب‌ها هم‌اکنون یافت نشده است و کار به آنجا رسیده که برخی از کتاب‌شناسان، نگارش کتابی با موضوع حدیث غدیر را کار طبری شیعی می‌دانند نه کار طبری نویسنده تفسیر و تاریخ.<sup>۳</sup>

اما گزارش کتاب‌هایی که هم به تفصیل از این کتاب طبری سخن گفته‌اند، هم بخش‌های مختلف آن را نقل کرده‌اند، جایی برای شک و تردید در انتساب این کتاب به طبری باقی نمی‌گذارد.

بر اساس کامل‌ترین گزارشی که از محتوای این اثر طبری در کتاب «شرح الاخبار» نوشته قاضی نعمان مغربی متوفای سال ۳۶۳<sup>۴</sup> ق یعنی تنها ۵۳ سال بعد از وفات طبری، وجود دارد<sup>۵</sup>

کتاب فضایل امیر المؤمنین با اثبات حضور ایشان در حجه الوداع و غدیر خم آغاز می‌شود و در ادامه به فضایل دیگر ایشان از جمله حدیث «طیر مشوی» با ذکر طرق متعدد و نیز احادیثی درباره فضایل اهل بیت پیامبر (ص) و اهمیت محبت با ایشان و دوری از دشمنی کردن با آنان پرداخته می‌شود که با این تفصیل نام‌های مختلف «کتاب مناقب اهل بیت»<sup>۶</sup> و «کتاب الولایه» و «کتاب

۱. همان، ص، ۲۴۶۴

۲. ابن جوزی، ج ۱۳، ص ۲۰۰

۳. آفا بزرگ، تهرانی، محمد محسن متزوی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، اسماعیلیان و کتابخانه اسلامیة، قم و تهران، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۲۶

۴. سید محسن امین، أعیان الشیعة، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ج ۱۰، ص ۲۲۳

۵. قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، تصحیح محمد رضا جلالی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۲۸

۶. اتان کلبرگ، همان، ص ۳۹۸



فضایل علی بن ابیطالب» و «رساله فی طرق حدیث الغدیر» و «کتاب غدیر خم»<sup>۱</sup> به یک بخش از کتاب فضایل با موضوع فضایل امیر المؤمنین و اهل بیت پیامبر (ص) از نسل ایشان، باز می‌گردد. این مطلب احتمالی است که توسط محققانی چون استاد جعفریان و اتان کلبرگ و روزنتال تقویت شده است.<sup>۲</sup>

البته نام «الرد علی الحرقوصیه» نیز نام همین مجموعه است که داستانی دیگر دارد و باید آن را با توجه به معنای لغوی واژه «حرقوص»، باز شناخت. حرقوص بن زهیر یکی از سران خوارج است که در جنگ نهروان به دست امیرمؤمنان کشته شد<sup>۳</sup> و معروف است که نیای احمد بن حنبل امام حنبلیان بود و از آنجا که گرایش ناصبی‌گری در حنبلیان و به خصوص ابن ابی داود که در آن زمان شیخ حنبلیان تندرو بود، به حدی رسیده بود که به انکار واقعه قطعی غدیر خم پرداخت، طبری با این نام در حقیقت کنایه‌ای دارد به وجود این رویکرد در حنبلیان و خود ابن ابی داود، که به گمان طبری ناصبی بود. احتمال دیگری نیز برای نام «الرد علی الحرقوصیه» وجود دارد که به معنای واژه «حرقوص» بر می‌گردد، که طبری نام حرقوصیه به معنای انگل یا پشه‌ای کوچک است<sup>۴</sup> که برای تحقیر رقیبش ابن ابی داود سجستانی بکار گرفته است، روزنتال این احتمال را مطرح کرده است.<sup>۵</sup>

انگیزه تالیف بخش فضایل ابوبکر و عمر نیز ذکر شد در این میان کتاب فضایل عباس است که ابن طاوس از آن نام برده و در فهرست‌های دیگر نیامده اما نام کتابی به نام «عیون فضائل بنی هاشم» آمده که با توجه به مطلبی که ابن طاوس از عیون نقل کرده که جریان مناظره ای میان عباس و معاویه است، احتمال یکی بودن این دو عنوان تقویت می‌شود.<sup>۶</sup>

هرچند که نسخه اصلی کتاب فضایل امروز وجود ندارد اما استاد جعفریان قسمت‌های مختلف بخش فضایل امام علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را که در کتاب‌های مختلف در طول تاریخ از این کتاب نقل شده را در مجموعه ای با بیش از هشت منبع با مقدمه‌ای سودمند درباره طبری گردآوری کرده است، شامل ۱۶۷ روایت از کتاب‌های مختلف به نام «شذرات من فضائل علی بن ابیطالب» یا «بخش‌های بجا مانده کتاب فضایل علی بن ابیطالب» یا «کتاب الولایه».

۱. آقابزرگ تهرانی، همان ج ۱۶، ص ۲۶

۲. محمد بن جریر طبری، با جمع آوری و مقدمه رسول جعفریان، بخش‌های بجا مانده... همان کتاب، ص ۱۸

۳. ابو حنیفه احمد بن داود الدینوری ص ۲۸۲، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، الأخبار الطوال، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ قم، ص ۲۰۴

۴. ابن منظور، لسان العرب، دار الصادر، بیروت، سوم، ۱۴۱۴ ج ۷، ص ۱۳

۵. اتان کلبرگ، همان، ۲۸۸

۶. همان، ص ۲۸۹

آخرین نکته‌ای که در این قسمت باید تذکر داده شود نام کسانی است که از کتاب «الولایه» یا «طرق حدیث الغدیر» یاد کرده یا مطلبی را از آن نقل کرده‌اند، از جمله این منابع:

۱. کتاب شرح الاخبار فی فضائل الأئمه: نوشته قاضی نعمان مغربی متوفای ۳۶۳ ق در جلد نخست که قسمت عمده این روایات را که شامل بیش از ۷۳ روایت است در کتاب خود جای داده است.<sup>۱</sup>

۲. نجاشی متوفای ۴۵۰ ق این کتاب را با دو واسطه از طبری روایت می‌کند و نام «الرد علی الحرقوصیه» را برایش ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

۳. شیخ طوسی متوفای ۵۶۱ ق، روایات متعددی را به نقل از طبری در فضایل امام علی (علیه السلام) نقل کرده که بسیار بعید است در کتاب فضایلش نیامده باشد.<sup>۳</sup>

۴. ابن شهر آشوب متوفای ۵۸۸ ق در المناقب دو روایت را از کتاب الولایه طبری نقل کرده است.<sup>۴</sup>

۵. ابن بطریق یحیی بن حسن حلی متوفای ۶۰۰ ق در کتاب «عمده عیون صحاح الاخبار» به نقل هفتاد و پنج طریق در کتاب «الولایه» طبری اشاره کرده است.<sup>۵</sup>

۶. سید علی بن موسی بن طاووس حلی متوفای ۶۶۴ ق، او در کتاب‌های مختلف خود از کتاب طبری به صراحت نامبرده و از آن نقل کرده است. از جمله در ابواب مختلف کتاب «الیقین»<sup>۶</sup> و در کتاب «اقبال» و کتاب «الطرائف» در میان کسانی که برای حادثه غدیر کتابی مجزا نوشته‌اند، از طبری یاد می‌کند که این حادثه را در کتابش با هفتاد و پنج طریق نقل کرده است البته ابن طاووس نام این کتاب طبری را در اقبال «الرد علی الحرقوصیه» می‌داند<sup>۷</sup> و در الطرائف آن را «کتاب الولایه» می‌خواند<sup>۸</sup> که می‌تواند تأییدی بر یکی بودن این کتاب‌ها باشد. او در کتاب «التحصین» متن یکی از روایاتی را که واقعه غدیر را بیان می‌کند از طبری نقل کرده است.<sup>۹</sup>

---

۱. اتان کلبرگ، ص ۱۶۴

۲. احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷ هجری قمری، ص ۳۲۲

۳. شیخ طوسی، الأمالی، انتشارات دارالتقافه قم، ۱۴۱۴، ص ۵۰۳، و ص ۵۸۲

۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، مؤسسه انتشارات علامه قم، ۱۳۷۹ هجری قمری ج ۳، ص ۷۰ و ص ۷۱

۵. ابن بطریق یحیی بن حسن حلی، العمده، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷ هجری قمری، ص ۱۱۲

۶. علی بن موسی الطاوس، الیقین، مؤسسه دارالکتاب قم، ۱۴۱۳ قمری، ص ۸۶ و ص ۲۱۵

۷. سید علی بن موسی بن طاووس، اقبال الأعمال، دار الکتب الإسلامیه تهران، ۱۳۶۷ هجری شمس، ص ۴۵۳

۸. ج ۱، ص ۱۴۲

۹. سید علی بن موسی بن طاووس، التحصین، مؤسسه دارالکتاب قم، ۱۴۱۳، ص ۵۷۸

۷. رضی الدین علی بن یوسف حلّی متوفای بعد ۷۰۳ ق در کتاب «العدد القویة» به تصحیح حدیث غدیر اشاره دارد که طبری آن را از بیش از هفتاد طریق در پاسخ به انکار ابن ابی داود روایت کرده است.<sup>۱</sup>

۸. حافظ شمس الدین ذهبی متوفای ۷۴۸ ق او در کتاب‌های تاریخ اسلام<sup>۲</sup> و سیر اعلام نبلاء<sup>۳</sup> داستان نگارش کتاب فضائل طبری را در پاسخ به انکار ابو بکر بن ابی داود نقل می‌کند و کتاب فضایل را با این ترتیب: فضایل ابوبکر، فضایل عمر و فضایل علی و تصحیح حدیث غدیر و اثبات آن. او حجم کتاب طرق حدیث غدیر را چهار جلد می‌داند که قسمتی از آن که بدست او افتاده باعث یقین ذهبی به رخ دادن این حادثه شده و نشان از معلومات گسترده طبری دارد.<sup>۴</sup>

۹. علی بن یونس نباطی بیاضی متوفای ۸۷۷ ق در کتاب «الصراط المستقیم» که پس از نقل حدیثی درباره فضیلت امیرالمؤمنین تصریح می‌کند که محمد بن جریر طبری همان حدیث را در کتاب مناقبش نقل کرده که به ترتیب حروف معجم از محدثان سرزمین‌های مختلف اسلامی ترتیب یافته<sup>۵</sup> شبیه همان خطبه‌ای است که سید بن طاوس در اقبال برای کتاب طبری نقل می‌کند)

#### ۶- ذیل المذیل:

کتابی رجالی که تاریخ قتل یووفات یاران پیامبر اسلام (ص) و تابعین و نسل‌های بعدی از مشایخ طبری را ذکر کرده و درباره وثاقت آنان اظهار نظر کرده است. این کتاب به نام «تاریخ الرجال من الصحابه و التابعین» نیز شناخته می‌شود. البته متن اصلی این کتاب موجود نیست اما تلخیص آن به نام «المنتخب من ذیل المذیل» هم اکنون وجود دارد.<sup>۶</sup>

اینها مهمترین کتاب‌های طبری بود و باید یادآوری کرد که در منابع کتاب‌های دیگری نیز برای طبری ذکر شده، که البته برخی از آنها بخشی از کتاب‌های مفصل‌تر او بوده است.<sup>۸</sup>

۱. رضی الدین علی بن یوسف حلّی، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۸۱۴۰، ص ۱۸۳

۲. ذهبی، تاریخ الاسلام، همان کتاب، ج ۲۳، ص ۲۸۳

۳. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، همان کتاب، ۱، ص ۲۷۴

۴. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۴/۲۷۷

۵. علی بن یونس نباطی بیاضی، الصراط المستقیم، کتابخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۱۹

۶. یاقوت حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۵۷

۷. طبری، المنتخب من کتاب ذیل المذیل من تاریخ الصحابه و التابعیه مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت لبنان، ۱۳۵۸

۸. یاقوت حموی، همان، ص، ۲۴۶۲

## نتیجه گیری

با بررسی زندگی و حیات علمی ابوجعفر محمد بن جریر طبری، به یک نمونه عملی و الگویی روشن از میراث مشترک ایران و عراق که حاصل فضای مساعد سیاسی میان دو کشور و امنیت علمی و مذهبی در آنهاست دست می‌یابیم و نتیجه یک تعامل مطلوب علمی را در آثار درخشان وی می‌یابیم. در عین حال آثار تلخ تنگ نظری های علمی و تکفیر در حیات وی به روشنی قابل عبرت پذیری است.

## فهرست منابع

۱. أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار الفکر - بیروت، ۱۴۰۴.
۲. ابن العماد شهاب الدین ابو الفلاح عبد الحی بن احمد العکری الحنبلی دمشقی، تحقیق الأرنؤوط، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، دمشق بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶
۳. ابن بطریق یحیی بن حسن حلی، العمدة، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم،
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، مؤسسه انتشارات علامه قم، ۱۳۷۹ هجری قمری
۵. ابن طاوس سیدعلی بن موسی، التحصین، مؤسسه دارالکتاب قم، ۱۴۱۳
۶. ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد، تحقیق علی محمد البجاوی، الاستیعاب فی معرفة الأ، صحاب، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲،
۷. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ه ق.
۸. ابن منظور، لسان العرب، دار الصادر، بیروت، سوم، ۱۴۱۴.
۹. أبو سعید عبد الکریم بن محمد بن من، صور التمیمی السمعانی تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، الأنساب، حیدر آباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲.
۱۰. اشعری، ابو الحسن، مقالات الاسلامیین، سایت اینترنتی الوراق، بی جا بی تا.
۱۱. المزی جمال الدین ابی الحجاج یوسف، تهذیب الکمال، سایت اینترنتی یعسوب.

۱۲. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن منزوی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، اسماعیلیان و کتابخانه اسلامیة، قم و تهران، ۱۴۰۸.
۱۳. برنجکار رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، مؤسسه فرهنگی طه، قم، ۱۳۷۹ ابن‌ابی‌الحدید، محمد بن هبة الله المدائنی البغدادی، شرح نهج البلاغة، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۴ قمری .
۱۴. بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار، به تصحیح عباس اقبال، تاریخ طبرستان، کتابخانه خاور، ۱۳۲۰، تهران.
۱۵. جاحظ، رسائل الجاحظ، دکتر علی ابو ملحم، الرسائل السیاسیة، رساله فی الحکمین، مکتبه الهلال بی تا، بیروت
۱۶. جعفریان رسول، مقاله نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذهب اهل سنت، مقالات تاریخی دفتر ششم.
۱۷. حسین حسینیان مقدم، و دیگران زیر نظر دکتر احمد رضا خضری، تاریخ تشیع، ج ۲ دولتها خاندانها و آثار علمی و فرهنگی شیعه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵، قم.
۱۸. خطیب بغدادی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۷ ه ق
۱۹. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، به کوشش شعیب الارنؤوط، چاپ اول، بیروت، الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۲۰. سید ابراهیم سید علوی، طبری و سلفی گری، یادنامه طبری ؛ به مناسبت بزرگداشت یکهزار و یکصدمین سالگرد درگذشت، سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، تهران.
۲۱. سید عبدالعزیز طباطبائی، الغدیر فی التراث الاسلامی، دار المورخ العربی، بیروت، ۱۴۱۴.
۲۲. سیوطی، طبقات الحفاظ، بی جا، بی تا، سایت اینترنتی الوراق،
۲۳. شیخ طوسی، الأمالی، انتشارات دارالثقافة قم، ۱۴۱۴.
۲۴. صفدی، الوافی بالوفیات، سایت اینترنتی الوراق بن حبان بستی، تحقیق، السید شرف الدین أحمد، الثقات، دار الفکر، ۱۳۹۵ - ۱۹۷۵، بی جا
۲۵. طبری، تهذیب الآثار، سایت اینترنتی جامع الحدیث، السبکی عبد الوهاب بن علی بن عبد الکافی، طبقات الشافعیة الکبری، موقع مشکاة للکتب الإسلامیة
۲۶. طبری، به کوشش رسول جعفریان، بخش‌های بجا مانده از کتاب فضائل علی بن ابی طالب و کتاب الولایة، انتشارات دلیل، قم، ۱۳۷۹

٢٧. طبري، المنتخب من كتاب ذيل المذيل من تاريخ الصحابة والتابعيه مؤسسة الاعلمى للمطبوعات بيروت لبنان، ١٣٥٨
٢٨. طقوش محمد سهيل، حجت الله جودكى، دولت عباسيان، پژوهشكده حوزه و دانشگاه، دوم، قم، ١٣٨٠
٢٩. على بابا عسكرى، أمل، دايره المعارف بزرگ اسلامى، مركز دايره المعارف بزرگ اسلامى.
٣٠. على ربانى گليپايگانى، در آمدى بر شيعه شناسى، مركز جهانى علوم اسلامى، قم، ١٣٨٢
٣١. قاضى نعمان، شرح الاخبار فى فضائل الائمه الاطهار، تصحيح محمد رضا جلالى، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٠٩
٣٢. مجلة البيان، محمد محمد توفيق، أعلام الإسلام ابن جرير الطبرى إمام المفسرين، ٢٧، ٢٤
٣٣. نعمت الله، صفرى فروشانى، محمد بن جرير طبرى آملی و دلائل الامامة، مجله علوم حديث شمارههاى ٣٧ و ٣٨
٣٤. سيد على بن موسى بن طاوس، إقبال الأعمال، دار الكتب الإسلامية تهران، ١٣٦٧ هجرى شمس
٣٥. سيد محسن امين، أعيان الشيعة، دار التعارف للمطبوعات، بيروت،
٣٦. سيوطى أبو الفضل جلال الدين عبد الرحمن أبى بكر، الدر المنثور فى تفسير المأثور، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، قم، ١٤٠٤ ق.
٣٧. ابن اثير، الكامل فى التاريخ، دار الصادر، بيروت، ١٣٨٥.
٣٨. ابن الطاوس على بن موسى، اليقين، مؤسسه دارالكتاب قم، ١٤١٣ قمرى،
٣٩. ابن العمرانى محمد بن على بن محمد، تحقيق قاسم السامرائى، الإنباء فى تاريخ الخلفاء، دار الآفاق العربية، قاهرة، ١٤٢١.
- ص ٢٠٠١.
٤٠. ابن تغرى بردى، النجوم الزاهرة فى ملوك مصر والقاهرة، چاپ اول، موقع الوراق، بى جا بى تا
٤١. ابن تيمية الحرانى أبو العباس، تحقيق، د. محمد رشاد سالم، منهاج السنة النبوية، مؤسسة قرطبة، ابى جا.
٤٢. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد بن خلدون، تحقيق خليل شحادة، ديوان المبتدأ والخبر فى تاريخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر، بيروت، دار الفكر، چاپ دوم، ١٤٠٨.

۴۳. ابن خلکان، أبو العباس شمس‌الدین أحمد بن محمد بن أبی بکر، المحقق : إحسان عباس، وفيات الأعيان وأنباء

أبناء الزمان، چاپ اول، دار صادر، بیروت، ۱۹۹۴

۴۴. ابن مسکویه ابو علی الرازی، تحقیق ابو القاسم امامی، تجارب الأمم، تهران، سروش، چاپ دوم، ج ۵، ص، ۱۴۲

۴۵. ابن ندیم، محمد بن إسحاق أبو الفرج الندی، الفهرست، چاپ اول، دار المعرفة، بیروت، ۱۳۹۸

۴۶. أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد ابن الجوزی، م ۵۹۷، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفى عبد القادر عطا،

المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲، ۱۹۹۲.

۴۷. ابو حنیفه احمد بن داود الدینوری تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیبالی، الأخبار الطوال، منشورات الرضی،

۱۳۶۸ ق م

۴۸. احمد بن حنبل شیبانی، فضائل الصحابة، بی جا بی تا بی جا، ساییت اینترنتی جامع الحدیث.

۴۹. استادی رضا، اهل بیت رسالت در تفسیر طبری، مجله کیهان اندیشه، شماره ۲۵، ویژه نامه کنگره طبری، ۱۳۶۸

۵۰. برنجکار رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، مؤسسه فرهنگی طه، چهارم، قم، ۱۳۸۱. ص ۱۲۲ و علی ربانی

گلبایگانی، فرق و مذاهب کلامی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، دوم، ۱۳۸۱

۵۱. بغدادی، صفی الدین عبد المؤمن بن عبد الحق، مرصد الاطلاع علی اسماء الامکنة و البقاع، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۲ ق

۵۲. پاکتچی احمد، علوم و معارف دینی در بغداد، مدخل بغداد، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲

۵۳. پاکتچی احمد، مقاله احمد بن حنبل از دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳

۵۴. جعفریان رسول، تاریخ تشیع د رایران، از آغاز تا قرن دهم، ج ۱، ان، صاریان، قم، ۱۳۷۹

۵۵. جعفریان رسول، اهل حدیث و کتاب، صریح السنه طبری، مقالات تاریخی، دفتر دوم، انصاریان، قم، ۱۳۷۶

۵۶. جعفریان رسول شذرات من کتاب فضائل علی علیه السلام و کتاب الولایه، انتشارات دلیل ما

۵۷. جوادی آملی عبدالله، ادب نقد، یادنامه طبری؛ به مناسبت بزرگداشت یکهزار و یک، صدمین سالگرد درگذشت، سازمان

چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، تهران

۵۸. الخلال أبو بکر أحمد بن محمد بن هارون بن یزید، تحقیق، د. عطیة الزهرانی، السنه، دار الراهة، الرياض، ۱۴۱۰.

٥٩. الخميس محمد بن عبد الرحمن، اعتقاد أهل السنة شرح أصحاب الحديث، موقع الإسلام، بي تا بي جا بي چا،
٦٠. خير الدين الزركلي، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و، المستعربين و المستشرقين، بيروت، دار العلم، للملايين، ط الثامنة، ١٩٨٩
٦١. ذهبى شمس الدين، تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، چاپ دوم، دار الكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٩.
٦٢. ذهبى شمس الدين، سير أعلام النبلاء، به كوشش شعيب الارنؤوط، چاپ اول، بيروت، الرسالة، ١٤١٣ق.
٦٣. رضى الدين على بن يوسف حلى، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى قم.
٦٤. سبحانى، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، مؤسسه امام صادق (ع)، قم،
٦٥. طبرى، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، تاريخ الأمم و الملوك، چاپ دوم، دار التراث، بيروت، ١٣٨٧.
٦٦. طبرى، جامع البيان عن تأويل آى القرآن، چاپ اول، دار المعرفه، بيروت، ١٤١٢
٦٧. الطبرى أبو جعفر، تحقيق، بدر يوسف المعتوق، صريح السنه، دار الخلفاء للكتاب الإسلامى، الكويت، ١٤٠٥.
٦٨. طبرى، اختلاف الفقهاء، دار الكتب العلمية، موقع مكتبة المدينة الرقمية، بي جا بي چا
٦٩. عبد الرحمن حسن العزاوى، الطبرى السيره و التاريخ، چاپ اول، دار الشؤون الثقافيه العامه، بغداد ١٩٨٩
٧٠. العقيلي المكي محمد بن عمرو بن موسى بن حماد، أبو جعفر، الضعفاء الكبير، دار الكتب العلميه، چاپ دوم، بيروت ١٤١٨
٧١. قفطى جمال الدين، إنباه الرواء على أنباه النحاء، مكتبه عن، صريه، بيروت، ١٤٢٤ ه ق
٧٢. كرى مى قهى، منصوره منازعات مذهبي در بغداد، ٦٥٦ - ٢٣٢، از ٩٥ تا ١٤٢ تاريخ اسلام بهار ١٣٨٤ - شماره ٢١
٧٣. كلبرگ اتان، ترجمه رسول جعفریان و سيد على قرائى، كتابخانه سيد بن طاووس و احوال و آثار او، چاپ اول، كتابخانه
- عمومى آيه الله مرعشى نجفى، قم، ١٣٧١
٧٤. مجلة البحوث الإسلاميه، ٨٠،
٧٥. محمد حسن خان اعتماد السلطنه، به تصحيح ميترا مهر آبادى، التدوين فى احوال جبال سرين، دنياى كتاب، ١٣٧٣، تهران
٧٦. مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيشابورى، تحقيق، محمد فؤاد عبد الباقي، صحيح مسلم، دار إحياء التراث العربى



۷۷. مقدسی، أبو عبد الله محمد بن أحمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، مکتبه مدبولی، القاہرہ، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.

۷۸. میلانی سید علی، نفحات الازہار، بی جا بیتا

۷۹. نباطی بیاضی علی بن یونس، الصراط المستقیم، کتابخانہ حیدریہ، نجف، ۱۳۸۴

۸۰. نجاشی احمد بن علی، رجال التجاشی، انتشارات جامعہ مدرسین قم، ۱۴۰۷.

۸۱. یاقوت حموی، معجم الأدباء، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۴۱۴ هـ ق.

۸۲. یاقوت، حموی معجم البلدان، دار صادر، بیروت، دوم، ۱۹۹۵.

۸۳. یوسفی غروی محمدہادی؛ مترجم، حسینعلی عربی، طبری و کتاب طرق حدیث غدیر، مجلہ تاریخ در آئینہ پژوهش،

پیش شماره یک

این مقاله در مجموعه آثار ہمایش میراث مشترک ایران و عراق، جلد ۱۴ (علما و

شاعران) منتشر شدہ است.